



facebook:

<http://tinyurl.com/kfwpbh8>

<http://tinyurl.com/osyan-osyan>

osyan.osyan@gmail.com

<http://nashriyeosyan.wordpress.com/>

زنان نیمی از آسمانند

و اگر این بخش از آسمان بی حرکت باقی بماند معلوم می‌شود،
آن طوفان انقلابی که قرار بوده دنیای کهن را در هم پیچد فقط نسیمی گذرا بوده

بیانیه هشت مارس

پیش‌بینی بود و شاید نبود آترناتیو مشخص و پایین بودن افق دید مردم باعث شده بود که امیدهای واهی داشته باشند و به حداقل‌هایی که هرگز به دست نخواهد آمد راضی باشند. در کنار گشت ارشادهایی که نه تنها برداشته نشد بلکه بسیار گسترده‌تر دختران را دستگیر می‌کرد و همچنین طرح تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها که بیش از گذشته در دانشگاه‌های متعددی اجرا شد، اما مواردی در چند ماه ریاست جمهوری روحانی رخ داد که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. یکی از این موارد، تنظیم سند دانشگاه اسلامی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و ابلاغ آن به دانشگاه‌ها از سوی روحانی بود. این حرکت نشان از این داشت که دین‌سالاری در دستور کار دولت قرار دارد. اگر چه پایه این حکومت از ابتدا با مذهب گذاشته شد، اما در دوره‌های مختلف، برنامه‌های گوناگونی برای تشدید و نفوذ هر چه بیشتر مذهب در زندگی مردم تصویب و به اجرا گذاشته می‌شود و نکته‌ای که روشن است این است که در هر جا که مذهب در راس باشد یعنی حتماً زنان، آماج اصلی هستند. سند دانشگاه اسلامی نیز از این امر مستثنی نیست. در حالی که دانشگاه باید مرکز علم و آگاهی باشد اما به تنها چیزی که بها داده نمی‌شود علم است. کمی بیشتر با جایگزینی علوم اسلامی به جای علوم انسانی، تئوری‌های علمی و تفکر دانشجویان را مورد تهاجم قرار دادند و اکنون با این سند به شکلی دیگر دانشگاه و دانشجو و بالاخص دختران را هدف قرار داده‌اند. هدف از آموزش عالی در این سند، تحکیم اخلاق و احکام اسلامی در تمامی ابعاد دانشگاه‌ها ذکر شده و بر «تقویت بنیان خانواده و بومی‌گزینی» و جداسازی جنسیتی و «نهادینه سازی فرهنگ عفاف و حجاب» و بسیاری موارد دیگر که همگی بر معیار دین و مذهب است تاکید گذاشته شده است و همه اینها به معنی محدود کردن هر چه بیشتر دختران در محیط خانواده و در اصل در کنترل قرار دادن آنها توسط خانواده و تاکید هر چه بیشتر بر اینکه نقش و وظیفه اول زنان در خانواده بودن است.

مورد دوم، تصویب قانون «ازدواج با فرزند خوانده» بود. مسلماً این قانون در ارتباط با ازدواج پسر خوانده‌ها با زنانی که سرپرستان هستند

باز هم سالی دیگر و باز هم ۸ مارس دیگر. روز زن، روز زنان، روز ما، روزی که به نام نیمی از جمعیت دنیاست. اگر چه همه روزهای سال متعلق به زنان است و روزی نیست که زنان در صدر اخبار خشونت‌های متعدد خانگی و دولتی، سرکوب و ستم و استثمار نباشند و اگر چه مبارزات ما تنها به ۸ مارس محدود نمی‌شود اما این روز را به پاس مبارزات زنان کارگر مهاجری که در سخت‌ترین و غیر انسانی‌ترین شرایط کار می‌کردند، اما تسلیم این شرایط نشدند و دست به اعتصاب و مبارزه علیه آن وضعیت زدند و ۸ مارس را به نام زنان ثبت کردند، جشن میگیریم و این روز را زمانی قرار می‌دهیم برای برنامه ریزی و تجدید عهد و پیمان با همدیگر، با همه زنان، با همه آنهایی که در سراسر دنیا فصل مشترکمان، زن بودنمان است. پیمان می‌بندیم که در مقابل هیچ ستمی تسلیم نشویم و سر فرود نیاوریم، که فریاد شویم بر سر تمام دولت‌ها و نظام‌های مردسالار و کسانی که جنس دوم و فرو دستمان می‌پندارند، که متشکل شویم و در قالب آن، افق‌هایمان را ترسیم کنیم و برای رسیدن به آنها برنامه ریزی کنیم، که یاد آوری کنیم که این طبیعت ما نیست که ضعیف باشیم بلکه روابط قدرت و سیاست‌هایی که در این روابط قدرت فرموله می‌شود خواهان آن است که ما ضعیف انگاشته شویم، که باز هم به خودمان یادآوری کنیم که زن بودن به معنای مادر و همسر خوب بودن نیست، که زن با شوهرش، تعریف نمی‌شود و با او معنا نمی‌یابد و نباید برده و مطیع کسی باشد، که زن انسان است و آزاد، که شایسته یک زندگی آزاد است.

اما برای این که در ۸ مارس هر سال بتوانیم برنامه‌های مبارزاتی آینده را مشخص کنیم باید به یک سال گذشته نگاهی بیندازیم و براساس تغییرات مشخصی که در موقعیت زنان پدید آمده گام‌های آینده را ترسیم کنیم. در سال گذشته عقبگردهای مهمی در وضعیت زنان پدید آمد. برخلاف تصور بسیاری که انتخاب روحانی به عنوان رییس جمهور را راهی برای بهتر شدن وضعیت زنان می‌دانستند نه تنها این اتفاق نیفتاد که به مراتب بدتر از گذشته نیز شد. البته این امر قابل

وضعیت اقتصادی جامعه را بهبود خواهد بخشید، نه تنها اینگونه نخواهد بود، بلکه به مراتب بدتر خواهد شد که باز کردن این موضوع در این بحث نمی‌گنجد اما به همین دلیل دولت نیاز دارد که سرکوب داخلی را تشدید کند تا مانعی ایجاد کند برای اعتراضات و شورش‌های احتمالی. دین یکی از زنجیره‌ای است که می‌تواند ذهن و تفکر مردم را به بند بکشد و منجر به شکل گرفتن روابط ستم‌گراانه بین مردم شود و در درون این روابط، روابط مردسالارانه و پدرسالارانه را تقویت و تشدید کند. بنابراین، مذهب و دین یکی از عوامل سرکوب مردم و بالاخص زنان است. دولت به خوبی می‌داند که در طی این سال‌ها چه بر سر زنان آورده و چقدر پتانسیل و انگیزه در جامعه موجود است که انتظار یک جرقه را می‌کشند. اما ما چه می‌خواهیم و چه باید بکنیم؟ یکی از مهمترین کارها این است که دین را نقد و افشا کنیم اما به شکلی که ریشه‌های آن را هدف قرار بدهیم. ما خواهان جامعه‌ای هستیم که در آن انسان‌ها با هم برابر باشند. تفاوت بین آدم‌ها به دلیل زن یا مرد بودن، ملیت، نژاد، جایگاه اجتماعی‌شان نباشد. معیار انسان بودن با پول سنجیده نشود و هیچ کس مالک کسی نباشد. نه مرد به زن نه پدر به خانواده و نه دولت به مردم. اما این جامعه با فرهنگ و تغییر قانون و تدبیر و امید به دست نخواهد آمد. لازمه پدید آمدن این جامعه نوین، دگرگون شدن جامعه کهنه است و این امر فقط به دست مردم اتفاق خواهد افتاد و زنان به عنوان نیمی از این جامعه کهنه نقش مهمی در خلق جامعه نو خواهند داشت. برای از میان بردن نظامی که بر پایه مرد سالاری و دین سالاری و زن ستیزی است، جدایی دین از دولت در اولویت قرار خواهد داشت و رهایی زنان در گرو رها شدن از اخلاقیات و اصول و حکومت مذهبی است. باید نسبت به این موضوع آگاه باشیم که گرویدن به اسلام به دلیل جهل و نادانی نیست. بلکه به دلیل آموزش است. اسلام‌گرایی یک ایدئولوژی است که اشکال کهنه و نو روابط ستم و استثمار از جمله ستم بر زنان را نمایندگی می‌کند و مداوماً آن را باز تولید می‌کند. موج جدید اسلام‌گرایی و تقویت آن در دنیا اعم از ایران، سوریه، مصر، تونس، لیبی، افغانستان و عراق نشان از یک سیاست مشخص دارد. مردم با مذهب به خواب جاهلیت می‌روند تا نفهمند که دلایل اصلی این همه درد و رنج و ستم چیست. تا باور کنند که تقدیرشان چنین است و خدایشان اینگونه خواسته است. این سیاست‌ها نه فقط از سوی دولت‌های ارتجاعی این کشورها که با همکاری دول مردسالار غربی برنامه ریزی و اجرا می‌شود. ارمغان حمله آمریکا به عراق و افغانستان برای زنان آنجا تأیید حکم سنگسار و افزایش قتل‌های ناموسی بود. برای زنان لیبی تأیید حکم چند همسری و برای زنان مصر نوشتن قانون اساسی بر اساس شرع. سوریه در دوران جنگ و خونریزی، در شرایطی که مردم نمی‌دانند ساعتی دیگر زنده‌اند یا نه، اما فراموش نمی‌کند که دختری را در ملا عام سنگسار کند. سال آینده را باید سال کارزارهایی قرار بدهیم که دین را افشا کند. سال آینده ایدئولوژیک و مذهبی در دانشگاه‌ها و مدارس قرار بدهیم. در نمازهای اجباری شرکت نکنیم، با اعتراض و حتی ترک مدرسه مانع تبدیل مدارس به حوزه‌های علمیه شویم. با اعتراض و تحصن مانع از اجرای مفاد سند دانشگاه‌ها شویم. دانشگاه و مدرسه، مسجد نیست. مرکز علم و دانش است، پس با سلاح علم و آگاهی مانع از غلبه جهل و خرافه بر عقل و شعورمان بشویم و باور کنیم که آینده با مبارزه خود ما ساخته خواهد شد.

نیست و فقط مورد بر عکس آن مدنظر است. یعنی دختر خوانده با مردان سرپرست. در نتیجه در این قانون به خوبی مردسالاری، زن ستیزی، نابرابری زن و مرد در عرف و قانون و شرع و حتی کودک ستیزی دین اسلام و تاکید و تقویت بر مالکیت خصوصی در رابطه بین انسان با انسان به خوبی مشهود است. تصویب این قانون یعنی شکل رسمی دادن به تجاوز که شکلی از خشونت بر زنان است. دختری که به عنوان فرزند در یک خانواده پذیرفته شده بر اساس کدام مصلحت و دلیل و چه عرفی باید به ازدواج با مردی در بیاید که به عنوان پدر او را پذیرفته و سال‌ها در یک خانه و خانواده با او زندگی کرده است. قوانین جمهوری اسلامی بر پایه اسلام است و تصویب این قانون نیز در همین چارچوب صورت گرفته است. در چند آیه از سوره نساء به دختران بی‌سرپرست و ازدواج با آنها اشاره شده است. مورد دیگر منشور حقوق شهروندی است که حسن روحانی آن را تدوین کرده است که گویی ورژنی دیگر از قانون اساسی است. در هر بند از آن که موردی گفته شده که به اصطلاح حق شهروندی محسوب می‌شود، این جمله آمده که مغایر با قوانین اسلام نباشد. این چه حقی است که در آن شرط و شروط گذاشته می‌شود. از کل صفحات متعدد این منشور مانند همیشه و همه جا حقوق زنان تنها در دو بند تعریف می‌شود. به هر حال زنی که فرو دست است و تحت تسلط مردان، حقی ندارد که بخواهد تدوین شود. در مهمترین حق انتخاب زنان که حق پوشش است آمده که باید با معیارهای اسلامی هماهنگ باشد. این هماهنگی معنایش داشتن حجاب است و این یعنی اجبار در داشتن پوشش. این اولین حق زنان است که با سرکار آمدن جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفت و در طی سی و چند سال مرز مهم اختلاف زنان با حکومت بوده و به همین دلیل هم همواره یکی از دلایل سرکوب زنان بوده است. مورد آخر که با واکنش‌های متعددی مواجه شد و برای مردم بسیار نگران‌کننده بود، وابسته نمودن مدارس به حوزه علمیه بود. بعد از این که یک آخوند را در تمام ایستگاه‌های مترو برای جواب دادن به سوالات شرعی مردم مستقر کردند حالا نوبت به مدارس است. در این طرح قرار است یک روحانی در مدارس مستقر شود و مدیریت تربیتی مدارس را بر عهده بگیرد. در شرایطی که سیستم آموزشی کشور از پایه دچار مشکل است، هزاران معلم حق‌التدریسی پشت در مدارس به انتظار استخدام مانده‌اند، در حالی که حداقل حقوق حق‌التدریسی‌شان را هم دریافت نکرده‌اند و در شرایطی که بسیاری از مدارس از داشتن آزمایشگاه و کتابخانه محروم‌اند آیا وجود یک آخوند در مدارس برای ارتباط با خانواده‌ها و پاسخ دادن به سوالات الزامی است؟ مسلماً در هدفی که دولت و وزارت آموزش و پرورش در این تصمیم داشته‌اند الزامی بوده است و آن تبدیل مدارس به حوزه علمیه و شستشوی مغز دانش‌آموزان از ابتدا و پایه با تعالیم دینی است. به جای یادگیری علم، حقه مذهب و خرافه در اولویت قرار می‌گیرد. دادن نمره انضباط به دانش‌آموزان بر اساس دفعاتی که به نمازخانه می‌روند، امضای دفاتر نماز و هزار اجبار دیگر و وجود معلم دینی و پرورشی کم بود و حالا یک آخوند هم قرار است به مدارس اضافه شود. اینها اتفاقاتی بود که در یک سال گذشته جزو مهمترین‌ها بود که بالاخص در زندگی زنان بسیار تأثیر منفی خواهد داشت. چرایی این برنامه‌های ضد زن یکسوی ماجراست و شکل برخورد با آنها و چه باید کردها در سوی دیگر. شروع ارتباط ایران با کشورهای غربی و به خصوص آمریکا، بر خلاف تصور بسیاری از مردم که فکر می‌کنند

متم بر زن کارکنان مختلف

شاید تفاوت میان دو نوع جامعه مثل ایران و کشورهای اروپایی و آمریکایی، این توهم را در ذهن عده‌ای دامن زند که فی‌المثل شرایط زنان آن جوامع در مقایسه با وضعیت زنان ایران، ناشی از تفاوت بین ادیان، و مشخصاً تفاوت بین اسلام و مسیحیت و یهودیت می‌باشد. این که مذهب و هر روبنای ایدئولوژیک تأثیرات معین خود بر هر جامعه‌ای را باقی خواهد گذاشت، واقعیتی است. ولی از این واقعیت نمی‌توان نتایج انحرافی گرفت. مثلاً "ماکس وبر" از جامعه‌شناسان معاصر بورژوا، که از نظریه پردازان مورد اعتماد علی‌شریعتی نیز به شمار می‌آمده، پیشرفتگی و یا عقب ماندگی جوامع را، تابعی از نوع مذهب می‌شمارد. او ایتالیا را مثال می‌زند که بخش شمالی آن صنعتی و پیشرفته‌تر و دین مردم آنها مسیحیت پروتستان می‌باشند. او از این مسئله و نمونه‌هایی از این دست چنین نتیجه می‌گیرد که مهمترین عامل عقب ماندگی و یا پیشرفتگی جوامع مختلف نوع مذهب آنهاست. گو این که در این مورد نیز نوع مذهب تأثیرات معین خود را گذارده و می‌گذارد، ولی با این حال اغراق در این رابطه در درجه اول ریشه در توهم نسبت به مذهب به مثابه یک کل، و در درجه دوم ندیدن ماهیت یکسان کاتولیسیسم و پروتستانیسم و کلا انواع مذاهب دارد. بحث امروز ما نیز تلاشی است در خصوص توهم زدایی و نشان دادن این که میان مذاهب مختلف، در خصوص مسئله زن، اختلاف اساسی وجود ندارد. در واقع آنچه تفاوت میان وضعیت زنان در جوامع مختلف را بوجود می‌آورد، ضروریات تکامل جامعه طبقاتی مبتنی بر ستم و استثمار است و نه چیز دیگر. استقرار و یا شیوع مذاهب مختلف جز ایجاد تفاوت‌های صوری و سطحی در رابطه با وضعیت زنان کار دیگری انجام نمی‌دهد؛ ولی آنچه در همه مذاهب مشترک است، تلاش در به انقیاد درآوردن مضاعف زنان می‌باشد.

از زمانی که مسیحیت به مثابه دین رسمی امپراتوری رم شناخته شد، این دین عمدتاً بخشی از زراد خانه ستمگری قدرت‌های حاکم بوده و هست. این نقش طی نزدیک به ۲۰۰۰ سال یعنی از زمان امپراتوری رم و سپس در وقایعی نظیر جنگ‌های صلیبی، کشورگشایی‌های اسپانیا و دیگر قدرت‌های اروپایی، ایجاد مستعمرات در قاره آمریکا، استرالیا، آفریقا، آسیا و سراسر جهان، و در اعمال قدرت سیاسی و اداره جامعه در آنجا که مسیحیت دین رایج بوده، کاملاً نمایان است. خواه این مذهب، مذهب رسمی دولتی باشد، خواه نباشد. در هر جامعه‌ای که مسیحیت دین مسلط بوده، در اساس به محافظت از استثمار و ستم پرداخته، و مانند هر مذهب دیگری در برابر نظام ستمگرانه و استثمارگری فرمان تسلیم صادر نموده است.

انجیل و مسیحیت به مثابه یک کل، یک تشریح دروغین از چرایی و چگونگی وقوع امور را به مردم حقنه می‌کند، نسبت به نیروهای موجود در طبیعت و جامعه، در مورد علل امور و امکان تغییر آنها نیز همینطور. انجیل و مسیحیت این اعتقاد را بوجود می‌آورد که موجودات بشری بخصوص آنها که جامعه، فقیر و ناتوانشان ساخته می‌باید همواره در شرایط فلاکت بار خود باقی بمانند. انجیل مدافع برده داری است، و به بردگان می‌گوید باید مطیع اربابانتان باشید. مثلاً در انجیل لوقا چنین آمده: "اما آن غلام که اراده مولای خویش را دانست و خود را مهیا ساخت تا به اراده او عمل نماید تا زبانه بسیار خواهد خورد!" البته از این نمونه‌ها در انجیل‌های مختلف بسیار است. انجیل بر سلطه مرد بر زن و تقویت تمامی قیود بر دست و پای زن اصرار می‌ورزد. برای مثال "پتر" حواری عیسی، به برده‌ها می‌گوید که تابع صاحبانشان باشند، و زنان تابع شوهرانشان، و مردم به طور کلی تابع قدرت حاکمه زمینی. نامه‌های "پل" یکی دیگر از

حواریون مسیح پر است از چنین رهنمودهایی. "پل" حواری اصرار می‌کند که زنان بایستی در سکوت و تابعیت کامل از مردان بیاموزند، و نباید اقتدار مردان را مخدوش سازند. بعد از همه اینها، پل می‌گوید، آدم اول بوجود آمد و سپس حوا، بعلاوه این حوا بود که آدم را به دردسر انداخت. با تمام اینها برای زنان هنوز "امیدی" هست: "اگر زن در ایمان و خیرات دادن و پاکی و متانت باقی بماند، به وسیله شرکت در امر نگهداری از بچه نجات می‌یابد." حتی منطق، روایت و آهنگ کلام نیز تفاوتی با اسلام ندارد، آخر هر دو مذهب در عصر برده داری ظهور یافتند. این مثال را مقایسه کنید با حدیثی از محمد، که به عده‌ای از زنان گفت، شرکت شما در بچه داری و خانه داری، و فرمانبرداری شما از شوهرانتان، همان حکم جهاد و در راه خدا شمشیر زدن مردان را دارد. "پل" حواری در همان حال به بردگان اخطار می‌کند که از ارباب و مالک خود اطاعت کرده و به آنان عمیقاً احترام بگذارید. چرا که در غیر این صورت، این امر کفر نسبت به خدا و نظام خداوندی محسوب می‌شود. در جای دیگری "پل" دستور می‌دهد، زنان، خود را در اختیار مردان خود بگذارند، همانگونه که در اختیار عیسی می‌گذارند. چرا که شوهر رئیس زن است، همانطور که عیسی مسیح رئیس کلیساست! "پل" می‌گوید، شوهران باید زنان خود را دوست بدارند، ولی زنان بایستی از شوهران خود اطاعت کنند. فرزندان نیز می‌باید از والدین خود اطاعت کنند، همانگونه که مسیح اطاعت می‌کرد. بردگان نیز می‌بایست از اربابان خود اطاعت کنند چرا که اربابان سروران آنانند!

این بود شمه‌ای از نگرش مسیحیت به برده و برده داری و زنان. حال کمی هم به دین موسی یعنی یهودیت می‌پردازیم. از موضوع پایه‌ای‌ترین و مشهورترین فرامین موسی یعنی ده فرمان آغاز می‌کنیم. روحانیت یهود معتقد



است اگر این فرامین استقرار کامل می‌یافت، بشریت از شر مفسد و گمراهی‌های امروز خلاص می‌گشت در یکی از این فرامین چنین آمده است: "به بردگان، همسران، منازل و حیوانات کارکن همسایه ات چشم طمع ندوز." این اوج احترامی است که یهودیت برای زن قائل بوده، و حداکثر او را تا سطح حیوانات کارکن و بردگان و منازل ارتقاء مقام داده است. از دو حال خارج نیست؛ یا "خداوند" آگاه به تمام امور ازلی و ابدی، حتی نمی‌توانسته حدس بزند که روزگاری دوران برده داری بسر رسیده، که در این صورت در همان زمان نزول این فرامین نمی‌توانسته مناسب با شرایط امروز قوانین خویش را تعدیل کند، و یا این که یهودیت نیز مذهبی بوده که در انطباق با شرایط آن عصر و در رابطه با تحکیم و تثبیت منافع طبقاتی معینی به وسیله موسی اختراع شده است! نمونه دیگری از این دست را می‌توان در یکی از سوره‌های تورات مشاهده نمود. در این سوره، هنگام صحبت از نحوه غضب خداوندی بر اهالی بابل آمده که "خداوند" در آنجا می‌گوید: "به هنگام سقوط بابل، کودکان کشتار، و زنان مورد تجاوز قرار خواهند گرفت." در همانجا آمده: "ورق کاملاً بر خواهد گشت، بدین معنی که بنی اسرائیل - که تابحال برده

بوده اند - خود، برده داران سابق را برده خود خواهند ساخت." در تمام تورات مرد، به مثابه مالک زن معرفی می‌شود، و زن بلحاظ حقوق اجتماعی دارای حقوقی هم طراز بردگان است. بعنوان مثال لوط پیامبر در مقابل حفظ بعضی از مهمانانش که به اصطلاح فرشته بوده اند، پیشنهاد می‌کند که به دخترانش تجاوز نمایند. حال ببینیم که چگونه ابراهیم، اسماعیل را به مثابه پسر پذیرفت؟ از آنجا که زن ابراهیم یعنی سارا، بچه‌ای به دنیا نمی‌آورد - و در یک جامعه پدرسالار برای زن مایه شرمندگی است که عقیم باشد - سارا سعی می‌کند با ترغیب ابراهیم به همخوابگی با برده سارا، یعنی هاجر، به او فرزندی ببخشد. این نقشه اجرا می‌شود و هاجر حامله می‌گردد. اما از این به بعد هاجر به سارا از بالا برخورد می‌کند و در اینجا خشم ابراهیم از این که برده‌ای به همسر ارباب با درستی برخورد می‌کند، به سارا اجازه می‌دهد که هاجر را مجازات کند. نتیجه این مجازات هم پا به فرار گذاشتن هاجر بود. اما بعد فرشته‌ای بر هاجر نازل می‌شود و به او دستور می‌دهد که به خانه ابراهیم بازگردد؛ و آن دختر از سر ناچاری به خانه ابراهیم باز می‌گردد. هاجر پسری به دنیا می‌آورد که نامش را اسماعیل نهادند. اما چگونه ممکن است پسر

یک برده رسالت بستن پیمان با خدا را برعهده گیرد؟ بنابراین خدا اجازه می‌دهد که خود سارا صاحب پسری شود به اسم اسحاق. اما چنانکه از آیات تورات برمی‌آید تداوم توجهات خداوندی به اسماعیل به سبب عطف توجه به پدر او یعنی ابراهیم صورت گرفته است. و این امر کاملاً با اصول پدرسالاری همخوانی دارد. مسئله دیگری که در این داستان جلب توجه می‌کند، تایید بی‌ارزش بودن زن نازا، به وسیله یهودیت است. چیزی که در اکثر ادیان شناخته شده و پرنفوذ مشترک است. به عنوان مثال این دیدگاه با نگرش امام ششم شیعیان، صادق، که معتقد بود ارزش زن نازا از گلیم پاره جلو درگاه کمتر است، کاملاً منطبق است، و یکی از تبلورات اجتماعی موازین پدرسالارانه به حساب می‌آید.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که هیچ یک از ادیان بزرگ در رابطه با زن، دارای هیچ نقطه نظر ترقی خواهانه نیست. آنچه هست ارتجاع محض است؛ و در واقع آنچه تفاوت حقوق مدنی زنان را در دوره اخیر در جوامع مختلف ایجاد می‌کند، پاره‌ای تفاوت‌ها در نحوه تکامل تاریخی و سابقه جنبش‌های سیاسی - اجتماعی در این کشورهاست و نه چیز دیگر!

مذهب و مدارس

مذهب و به طور کلی ایده‌های مذهبی، به عنوان بخشی از روینای جوامع طبقاتی، در جهت حفظ ساختار موجود و ممانعت از شکل‌گیری و گسترش ایده‌های انقلابی، نقش دارند و برای اجرای این وظیفه، در بخش‌های گوناگون اجتماعی اثر گذار هستند. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، شرایط مدارس به عنوان یکی از پایگاه‌های مهم ایده‌پردازی است. کارگزاران تبلیغ مذهب، با آگاهی از بالابودن پتانسیل کودکان و نوجوانان برای پذیرش افکار مختلف،

ایده‌های خود را در مدارس تزریق می‌کنند. در ایران، وجود حکومت دینی، این روند را تشدید کرده است، تا جایی که آموزش مباحث دینی به عنوان بخشی از قانون اساسی، مورد تأکید قرار گرفته و اجباری است. کودکان از سنین پیش از دبستان تا بزرگسالی در معرض بمباران ایدئولوژیک این حکومت دینی قرار دارند.

در سال‌های اخیر، در فضای مجازی و تلویزیون و روزنامه‌ها به طور مداوم، سران نظام از خدشه دار شدن باورهای مذهبی در نسل جوان گلایه می‌کنند و دلیل آن را، رسانه‌های جهانی، ماهواره، تکنولوژی روز و تبلیغات دشمنان نظامشان می‌دانند و برای مقابله با این قبیل مشکلات، پروژه‌هایی چون اسلامی‌تر کردن علوم و درس‌ها، تفکیک

جنسیتی کتب، راه اندازی مدارس قرآن و ... را پیش می‌بردند. غافل از آنکه، آگاهی از هر دریچه‌ای خود را به اذهان روشن می‌رساند و در ساده‌ترین شکل، مشاهده‌ی دقیق طبیعت، باطل بودن پایه‌های تمامی آموزه‌های خرافی را بر ملا می‌سازد. در کنار این اقدامات، پاشنه‌ی آشیل نظام، مهم است و دختران دانش‌آموز و حجاب بیش از پیش، مورد توجه این قبیل اقدامات هستند. برای آگاهی بیشتر از شرایط مدارس در سال‌های اخیر، به سراغ چند تن از

چه سورمه‌ای باشه چه قرمز و نارنجی، در کل حجاب و آزار دهنده، اشکال دیگه این که که ما یه فرم رو از اول دبیرستان تا پیش دانشگاهی می‌شد استفاده کنیم، اما الآن هر مدرسه و هر مقطع فرم خاص خودشو داره و دانش‌آموزها مجبورن هر سال یه فرم تازه بخرن.

درس‌ها هم فرق کرده، مثلاً ما یه درس به نام پرورشی داشتیم که معلمش یه زن چادری بود و فکر ما رو با چرندیات مذهبی به کار می‌گرفت. کارهای فوق برنامه هم با اون بود،

مثلاً مراسم دهه‌ی فجر و چیزهایی مثل این، یک کلاس ایدئولوژیک به معنای واقعی کلمه، اما مدرسه‌های جدید یه کتاب برایش دارن، به اسمش تفکر و پژوهش در دوره‌ی ما، درس دینی پر بود از مفاهیم فلسفه‌ی اسلامی، اسم کتاب هم دینی

بود. اما کتاب دینی این روزها اسمش دین و زندگیه و بیشتر درباره‌ی احکام مطلب داره، معلم‌ها هم به (ع) و (ص) و این جور چیزها که به شکل داستان تو کتاب هست گیر میدن. انگار فهمیدن ساختن ذهن فلسفی به ضرره و در جهت پیوند حوزه با مدرسه، احکام رساله‌ها رو تبلیغ می‌کنن. همینطور شرط ورود به مدارس، خیلی مسخره شده. یکی از دانش‌آموزها می‌گفت:



دختران دبیرستانی رفتیم. بیشتر می‌خواستیم ببینیم اوضاع مدرسه‌ها با زمان ما (دهه ۷۰ و ۸۰) چقدر تفاوت دارد؟

در صحبت‌هایی که با آنها داشتیم، فهمیدیم که فرم مدرسه‌ها با دوره ما و حتی دهه شصت فرقی نداره، فقط این که مثل زمان ما تنها سورمه‌ای یا طوسی نیست. الآن مانتوها رنگی شده اما در عین متنوع بودن دوتا ایراد داره، یکی این که مانتو و مقنعه

«بعضی از مدرسه‌ها، موقع ثبت نام از دانش‌آموزها تعهد می‌گیرن که برای درس خودن در آن مدرسه باید چادر سر کنه» من ازش پرسیدم که این مدرسه‌ها باید ویژگی خاصی داشته باشن که دخترها حاضر بشن چادر سر کنن. او هم تأیید کرد که مدارس خوبی هستن یعنی قبولی بچه‌ها توی کنکور بالاس و معلم‌های خیلی معروفی در این مدارس درس می‌دن.

یه طرحی هم چند ساله که ازش صحبت می‌شه و عنوانش شاداب سازی مدارس، در دوره‌ی ما حضور بدون حجاب در مدرسه‌ای که همه زن و دختر بودن جرم محسوب می‌شد. اما در این طرح، دیوار بعضی از مدارس رو تا سه برابر بالا می‌برند و به عنوان محرم سازی، یه قفس بزرگ برای دخترها درست می‌کنن که جایگزین قفس جامعه باشه ولی در ازای آن می‌ذارن دخترا بدون حجاب تو مدرسه باشن

خیلی چیزها هم مثل فرم مدرسه، هنوز سر جاشه، هنوز به دخترها سر ابرو برداشتن و اصلاح صورت و آرایش و این جور چیزها گیر می‌دن. هنوز هم به زور بچه‌ها رو مجبور به

نماز جماعت می‌کنن و هنوز هم یه آخوند میاد پیش نماز می‌شه.

با تمام این شباهت‌ها و تفاوت‌ها، یه چیز خیلی برام مهم بود. توی این نسل دختری عصیانگری در مدارس حضور دارن که نسبت به زمان ما آگاه‌تر هستن و به آسانی زیر بار حرف زور نمی‌رن، حتی اگر به قیمت کاهش نمره‌ی درسی یا انضباط اونا تموم بشه. اونا با به چالش کشیدن معلم‌ها از ریا و دروغ‌گویی پرهیز می‌کنن و با نافرمانی از قوانین دست و پا گیر مدرسه، مدام خود را در معرض برخورد با مدیر و ناظم قرار می‌دن اما از آنها تبعیت نمی‌کنن.

یکی از نمونه‌هایی که توسط یکی از دخترهای دبیرستانی توی اینترنت دیدم این بود:

زنگ آخر بود. دینی داشتیم

معلم دینی از معجزات می‌گفت از بسیار بسیار آدم‌هایی که به قول او به ضریح امام زاده دخیل شدند و شفا گرفتند...

دست...م را بالا کردم گفتم : اجازه

اگر این حرم‌ها و امامزاده‌ها شفا می‌دهند چرا وقتی آیه الله بروجردی مریض شد برایش پزشک فرانسوی آوردند؟ چرا آیه الله میلانی

پزشک هلندی داشت؟ چرا برای آیه الله خمینی یک تیم پزشک آلمانی مامور شده بودند؟ چرا آیه الله سیستانی برای مداوا به لندن می‌روند؟

معلم گفت دخترم با من بیا دفتر مدرسه اونجا مدیر میدونه با تو چیکار کنه...

این عبارت شاید یه تمثیل باشه از اوضاعی که توی مدارس حکم فرماست. ولی همه‌ی دخترهایی که در سی و چند سال اخیر، مدارس ایران رو تجربه کردند، گواهی بر این ادعا هستن.

مقابله و به چالش کشیدن معلم‌ها تنها راه

رهایی از این قبیل مناسبات نیست. جمهوری اسلامی هر بار متناسب با شرایط، روش‌های تبلیغات خود را تغییر می‌دهد. دوره‌ی ما

که کامپیوتر و چیزهایی از این دست نبود، تمامی کارتون‌ها بار ایدئولوژیک داشتند.

اما امروزه انواع و اقسام نرم افزارها را برای دانش‌آموزان تهیه می‌کند و با ابزار پیشرفته

به القای عقایدش می‌پردازد. برای مقابله‌ای

اساسی، باید ابتدا دین را از دولت جدا کنیم و در گام‌های بعدی برای محو تمامی مناسباتی

که ایده‌های مذهبی را شکل می‌دهد مبارزه کنیم.

گردآورنده اخبار

آوا آرمان

سَر خَیْر

فذهب یلکر از فہمترین عوامل براس تکلیم و توجیہ روابط ستم، علیہ زنانہ است. بہ ویژه در کسورہائیں کہ قوانین مذہبیں مرجع قانونگذاروں و یا قضاوت و تہمیم گیری است، ستم بر زن ابعاد گسترده و قانون فر گیری. قوانین مذہبیں در سراسر جہان بہ دلیل فہمیت پدرسالارانہ ستم حاصر اعمال ضد زن و خصومت آفیز مردانہ فہم است و آنہ را ترویج کردہ و توجیہ فر کند. در سرخبر معر کردیم کلیہ اخباریں کہ بر ستم مذہبیں علیہ زنانہ فہمتر است و در سایت ہا انعکاس یافتہ را بازتاب دہیم.

احتمال بازگشت حکم سنگسار به قوانین افغانستان

دولت افغانستان در نظر دارد که حکم سنگسار برای زنان را که در دوران طالبان اجرا می‌شد، دوباره به قانون این کشور بازگرداند. پیش نویس ماده ۲۳، که توسط وزارت دادگستری پیشنهاد شده، تصریح می‌کند که سنگسار باید عمومی باشد. این لایحه باید توسط مجلس و رئیس جمهور افغانستان برای تبدیل شدن به قانون تصویب شود. بر اساس قوانین فعلی، زناکاران با حبس‌های طولانی مدت مواجه هستند.

افغانستان یک کشور مسلمان به شدت محافظه کار است که در آن رابطه جنسی خارج از ازدواج و رابطه جنسی قبل از ازدواج تابو است و می‌تواند به درگیری‌های خونین بین خانواده‌ها منجر شود. در دوران حکومت طالبان سنگسار به طور گسترده‌ای انجام می‌شد و هنوز هم در مناطق تحت کنترل آنها اجرا می‌شود. در ماه مرداد، یک زن ۲۱ ساله در روستایی تحت کنترل طالبان در ۶۰ کیلومتری شمال کابل به سنگسار محکوم شد و حکم بلافاصله به اجرا درآمد.

عصیان: سنگسار یکی از وحشیانه‌ترین قوانین مذهبی است که در مورد زنان اجرا می‌شود. در دیدگاه مذهبی روابط جنسی خارج از ازدواج برای زن معنا ندارد. اگر زنی با مردی چنین رابطه‌ای داشته باشند، حکم سنگسار در انتظار زن خواهد بود.

عصیان: بکارت ریشه در نگاه مالکیتی جامعه نسبت به زنان دارد. این نگاه نسبت به زن بسیار تحقیر آمیز بوده و شأن انسانی زنان را از بین می‌برد. نقش زنان در انقلاب مصر بسیار مهم بود و جامعه مرد سالار علی‌الخصوص حاکمیت، برای تحقیر، منفعل کردن و خوشایند مردان زن ستیز به واسطه ی یک بزشک اقدام نموده و زنان مبارز را مورد خشونت قرار داد. گرچه محاکمه بزشک ضروری است اما ادامه ی مبارزه ی زنان با مظاهر مردسالاری ضروری تر می باشد.

اخراج ۵ دختر دانش آموز به خاطر رقص و به اتهام کفر در اندونزی

رقص پنج دختر دانش آموز ۱۷ تا ۱۸ ساله اندونزیایی در مدرسه ای در شهر «تولی تولی»، با آهنگ گروه آمریکایی مارون ۵ و پخش آن در یوتیوب، که بیش از ۳۱۱ هزار بیننده داشت، خشم مدیر مسلمان مدرسه را برانگیخت و آن‌ها را از مدرسه اخراج کرد.

به گزارش وبسایت «وومن.ات» اتریش، آن‌ها در این کلیپ ادای سجده رفتن را در می‌آوردند و می‌خندند و می‌رقصند. رئیس مدرسه به «جاکارتا پست» گفته است که «افکار عمومی، به ویژه جامعه اسلامی» خشمگینند و نمی‌توانند چنین چیزی را بپذیرند. در این میان پلیس هم وارد ماجرا شده و در بدترین حالت ممکن است این دختران نو جوان به خاطر این شوخی به حداکثر ۵ سال زندان جوانان محکوم شوند.

عصیان: در جوامعی که براساس قوانین مذهبی اداره می‌شوند، حذف زن از جامعه شدیدتر است و کوچک‌ترین تخطی با شدیدترین مجازات روبه‌رو خواهد شد.

اسلام شناس نیجریه:

در اسلام محدوده سنی برای ازدواج وجود ندارد

در کشور آفریقایی نیجریه بحث شدیدی در رابطه با ازدواج کودکان و پدوفیلی (بچه بازی) در گرفته است. این بحث به طور مشخص بر سر ماده ۲۹ قانون اساسی نیجریه است که بر مبنای آن همه افراد مؤنث ازدواج کرده بزرگسال به حساب می‌آیند. منتقدان می‌گویند که این ماده ازدواج با دختران خردسال را نیز در بر گرفته و در را به روی سوء استفاده جنسی از کودکان باز می‌کند.

پارلمان نیجریه، به توصیه کمیسیون قانون اساسی، حذف این ماده از قانون اساسی را رد کرده است. گفته شده که این قانون ربطی به ازدواج کودکان ندارد و این تفسیر تفسیری مبالغه آمیز از آن است.

در این میان پروفیسور اسحاق آکیتولا، یک دانشمند معروف اسلامی و رئیس سازمان غیر دولتی «مسلم رایتز کانسرن»، در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که در اسلام محدودیت سنی برای ازدواج وجود ندارد. تنها شرط یک ازدواج مشروع خواستگاری و پذیرش، موافقت والدین، جهیزیه و حضور حداقل دو مرد به عنوان شاهد است.

وی افزود که اگر هنوز عروس قاعده نشده باشد، داماد باید برای آمیزش با او صبر کند تا عروس به قاعدگی برسد.

طبق گزارش سراپ چیللی، نویسنده ترک تبار آلمانی کتاب «ما دختران شماییم، نه ناموس شما»، وی همچنین گفته است که ازدواج توأم با هتک حرمت کودکان به روسپی‌گری کودکان ترجیح دارد.

عصیان: طبق آموزه‌های اسلامی، زن فقط وسیله‌ای است برای ارضای نیازهای جنسی مرد و سن زن اصلاً مطرح نیست. بررسی



تاریخی نشان می‌دهد که این سنت از زمان خود محمد پیامبر این دین باقی مانده است و خود او با دختر بچه‌ها ازدواج می‌کرد. عایشه نمونه بارز این قضیه است. او وقتی به عقد محمد در آمد ۹ ساله بود و با عروسک‌هایش به خانه او آمد.

اعتراف استاندارد قم به شکست گشت ارشاد در تحمیل پوشش اسلامی

استاندار قم طی سخنانی اظهار داشت که موافق اقدامات بانوان گشت ارشاد نیست. امروز دختران باید داوطلبانه خواستار حیا، عفت و حجاب باشند و با زور نمی‌توانیم آنها را وادار به این رفتار کنیم. به گزارش ایرنا، محمد صادق صالحی منش، در همایش «انقلاب اسلامی، سبک زندگی اسلامی، منزلت زن و تحکیم خانواده»، که در «تالار معصومیه» استانداری قم برگزار شد، همزمان «وجود برخی افراد غافل که در مسئله حجاب و عفاف بی تفاوت هستند»، را خدشه به چهره شهر در انظار داخلی و خارجی دانست و گفت: اجازه نخواهیم داد مشتتی افراد غافل و ضعیف چهره شهر قم را به نفع خودشان مصادره کنند.

وی در بخش دیگری از سخنانش خطاب به زنان در جلسه، گفت: شما باید الگوی عفاف، حجاب، شجاعت، تربیت، فداکاری و ایثار در نظام جمهوری اسلامی باشید. و تأکید کرد: زنان نباید نقش اصلی خود را که همان تربیت صحیح فرزندان است، فراموش کنند.

استاندار قم همچنین مدعی شد: زنانی که در راستای اهداف این نظام کار می‌کنند، همگی از نجابت، حیا و عفاف خاصی برخوردارند.

عصیان: گشت ارشاد یکی از اهرم‌های فشار نظام در مقابل افزایش مقاومت زنان نسبت به حجاب اجباری است. گسترش و تحمیل حجاب اجباری در جامعه تلاش نظام است برای تحکیم پایه‌های مردسالار خود و همواره با مخالفت زنان، همراه است.

ازدواج موقت دختران فقیر هند با توریست‌های مرفه مسلمان

فقر شدید خانواده‌ها، دختران هند را وا می‌دارد تا آن‌ها را در ازای دریافت پول به عقد موقت مردان مسلمان توریست در آورند.

به گزارش تلگراف، ویه جای کومار، افسر پلیس هند، در این رابطه می‌گوید که دختران زیبای هندی را می‌توان با مبلغ اندکی به عقد موقت در آورد. مردان مرفه از کشورهای اسلامی، حتی آن‌هایی که تنها چند روز در هند به سر می‌برند، نیز به خاطر سکس اقدام به این نوع ازدواج غیرقانونی می‌کنند.

یکی از این دختران، نوشین تبسم - ۱۷ ساله، قرار بود در مقابل دریافت ۱۲۰۰ دلار چهار هفته در عقد مرد ۴۴ ساله‌ای از سودان باشد که دارای همسر و دو فرزند است. وی به پلیس متوسل شده و حاضر نیست به خانه برگردد.

مرد سودانی ۱۰۰ هزار روپیه، برابر ۱۲۰۰ دلار، به عمه این دختر پرداخته بود. عمه وی ۷۰ هزار روپیه به خانواده دختر، ۵۰۰۰ روپیه به امام عاقد، ۵۰۰۰ روپیه به مترجم زبان اردو داده و ۲۰ هزار روپیه نیز خود برداشته بود.

سند ازدواج برای چهار هفته آماده شد که در آن سن دختر را به ۲۴ سال تغییر داده بودند. پلیس هند داماد مسلمان، عمه نوشین و پدر وی را دستگیر کرد.

عصیان: کالا بودن زن در جوامع مردسالار به شکل‌های مختلف خود را نشان می‌دهد.



زنان در ازای پول و به عنوان کالایی که نیاز جنسی مردان را رفع می‌کنند مبادله می‌شود.

اعتراض زنان باردار به سخنان یک «روشنفکر مذهبی» در ترکیه

سخنان یک روشن‌فکر مذهبی و استاد موسیقی کلاسیک ترکیه در رابطه با لزوم در خانه ماندن زنان باردار، خشم فعالان حقوق زنان و نیز مردان این کشور را برانگیخت.

عمر طغرل اینانچر، متفکر مورد احترام صوفی‌ها و وکیل مدافع، همچنین گفت که دیدن زنان حامله در اماکن عمومی نه تنها غیر اخلاقی، بلکه حتا زشت است. وی افزود که زنان باردار باید از ۷ یا ۸ ماهگی بارداری تنها شب‌ها به همراه همسرشان و در اتومبیل از خانه خارج شوند.

سخنان وی در اینترنت موجی از واکنش خشمگینانه را برانگیخت. به ویژه در استانبول و آنکارا زنان باردار در اعتراض به وی راهی خیابان‌ها شدند. عده‌ای از مردان نیز با قرار دادن بالش زیر پیراهن شان با آن‌ها همراهی کردند. گروه‌های فمینیستی نیز وی را به شدت مورد انتقاد قرار دادند.

در این میان اداره امور مذهبی ترکیه، برای آرام کردن افکار عمومی، اعلام کرد که حبس کردن زنان باردار در خانه یک امر اسلامی نیست.

عصیان: در چهارچوب اسلام، توهین و تحقیر زن یک امر جامع است. حبس کردن زنان در اندرونی و محدود کردن آنان به تولید مثل و خانواده، یکی از باورهای ریشه‌ای اسلام است، اما خود مسلمانان از اعتراف به آن خودداری می‌کنند.





افزایش نقش زنان در تحولات مصر

خیزش دوم مردم مصر، یک سال پس از کسب قدرت توسط اسلامگرایان و تلاش برای اسلامیزه کردن کشور، با برکناری محمد مرسی وارد دور تازه‌ای شد. در این خیزش نقش زنان برجسته‌تر از گذشته بود.

به گفته حامد عبدالصمد، اسلام شناسی که فتوای قتلش به خاطر ارتداد صادر شده بود و اکنون مقیم آلمان است، این بار صدای زنان بلندتر از مردان بود و خود این یک انقلاب است. اسلام سیاسی با نادیده گرفتن حقوق زنان خودکشی سیاسی کرد.

در این میان «اتحادیه فمینیستی مصر»، متشکل از چند نهاد و سازمان مدافع حقوق زنان، در بیانیه‌ای با عنوان «زنان مصری تاریخ را رقم می‌زنند»، از جمله آورده است که این اتحادیه خود را جزئی از جنبش تمرد می‌داند و هیچ دولتی در آینده مصر نباید و نمی‌تواند فقط از مردان تشکیل شده و در مورد زنان حرف بزند و تصمیم بگیرد. هیچ دولتی نمی‌تواند در آینده مصر قوانین را کماکان اسلامی و مبتنی بر شریعت و نابرابری اعلام کند. هیچ دولتی نمی‌تواند زنان را حذف کند. زنان نیمی از جامعه هستند و در این انقلاب بزرگ و تلاطم‌های عظیم اجتماعی نقش پیشرو داشته و سنگر به سنگر جنگیدند. اخوان المسلمین و مرسی نمایندگان جنبش اسلامی و نمایندگان ضدیت با زنان و زن ستیزی اسلامی بودند و هنوز پایشان گرم نشده حمله به زنان را آغاز کردند.

عصیان: زنان مصر در جریان خیزش و پس از آن اتفاقات زیادی را تجربه کردند اما با وجود فشارهای زیاد اسلام‌گرایان از جریان مبارزه خارج نشدند. تشکل و داشتن اهداف مشخص برای تداوم این روند، ضرورت مبارزه‌ی زنان مصری خواهد بود.

اعتراف آشکار حداد عادل به شکست پروژه اسلامی کردن جامعه

شکست پروژه تحمیل حجاب مطلوب اسلامگرایان به جامعه ایران و گرایش روزافزون زنان و جوانان به سبک زندگی امروزی، پایوران نظام حاکم را به اعتراف آشکار واداشته است.

وی با بیان این که در حال حاضر بسیاری از مردم جهان تحت تاثیر فرهنگ غربی قرار گرفته‌اند، از جمله گفته است که فرهنگ اسلامی مردم ایران از هجوم فرهنگ غربی آسیب دیده و نوع پوشش در جامعه ما می‌تواند بهترین قاضی برای تشخیص میزان پوشش برگرفته از فرهنگ ایرانی و اسلامی باشد.

به گزارش مهر، وی در جمع دانشجویان دانشگاه پیام نور استان خراسان شمالی، اظهار داشت که در حال حاضر فشارهای فراوانی به بانوان باحجاب جامعه وارد می‌شود تا پوشش خود را تغییر دهند و همه اینها از آسیب‌ها و نتایج نفوذ فرهنگ غربی در جامعه است. به گفته وی، فرهنگ غربی علاوه بر پوشش بانوان، در سایر بخش‌های جامعه نیز «اثر سوء» خود را گذاشته؛ به گونه‌ای که اکنون معماری و ساخت و سازها در کشور نیز تحت تاثیر فرهنگ غربی قرار گرفته است.

بازتاب خارجی عدم ثبت رکورد شنای الهام اصغری

عدم ثبت رکورد شنای ۱۸ کیلومتری الهام اصغری، ۳۲ ساله، از سوی مقامات ورزشی جمهوری اسلامی به بهانه غیر شرعی بودن لباس شنایش، در خارج از کشور نیز بی بازتاب نماند.

اشپیگل آنلاین به نقل از گاردین، «شنا بر خلاف جریان مورد خواست رژیم» و سخنان وی را منتشر کرده و نوشته است که شناگر ایرانی در تاریخ ۱۱ ژوئن از ساحل نوشهر با عینک شنا و البته پوشش سراسری، که در حالت عادی نیز بسیار سنگین است، به آب زد و در یک شنای آزاد ۲۰ کیلومتر پیش رفت. زمانی که پا به ساحل گذاشت، لباس خیس بر تن او چسبیده بود و همین بهانه به دست اسلامگرایان داد تا از ثبت رکورد او خودداری کنند. فدراسیون شنای ایران حاضر به عقب نشینی نیست. الهام اصغری نیز در ویدیو کلیپی، پیرامون این رفتار مقامات ایرانی سخن گفته است.

عصیان: قوانین مرتجع مذهبی ریشه‌ی ستم بر زن در کشور ما هستند. مذهب، هر گونه فعالیت زن در بیرون از حیطه‌ی خانواده را سرکوب می‌کند و حجاب اجباری یکی از ابزارهای این سرکوب است.



بررسی

«توهین مجله بخارا به زنان چادری»

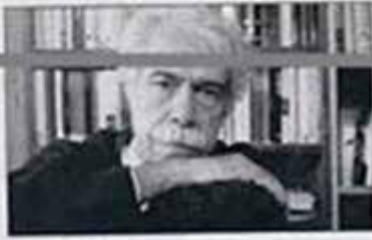
در هیئت نظارت بر مطبوعات

بنا بر خبر منتشر شده در سایت زنان پرس "نشریه بخارا در آخرین شماره‌ی خود به زنان چادری توهین" کرده است؛ در این نشریه که به مدیریت علی دهباشی منتشر می‌شود، در قالب انتشار شعری از منصور اوجی «زنان چادری به استهزاء به کلاغ تشبیه شده‌اند». محمد جعفر محمدزاده، معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد، در گفتگو با فارس اعلام کرد: هر اتفاق و تخلفی در مطبوعات و خبرگزاری‌ها مورد رصد تیم‌های ناظر قرار می‌گیرد و رسیدگی می‌شود. مسأله توهین مجله بخارا به زنان چادری نیز حتماً در هیئت نظارت بر مطبوعات مطرح و رسیدگی خواهد شد.

شایان ذکر است که تا کنون هیچ یک از موارد هر روزه توهین به زنان شهروند ایران مورد بررسی قرار نگرفته و سایت زنان پرس که از سایت‌های تحت الحمایه حکومت مردسالاران است، نیز تا کنون هیچ سابقه اعتراضی به توهین‌های رسانه‌های اسلامگرا، به دختران و زنان امروزی به خاطر توهین‌ها و فحاشی‌هایشان ندارد.

عصیان: برای مبارزه با حجاب اجباری باید اساس مذهب را نشانه گرفت. حجاب با پشتوانه‌ی مذهب و قدرت دولتی، بازتولید فرهنگ مردسالار است نه صرفاً انتخاب‌های فردی اشخاص.

دو فنر از منصور اوجی



جملگی کلاغ

از جماعت زنان دلم گرفت
آن جماعت عظیم
روز جشن
صبح عهد

یک کوتر سفید بی‌شان نبود
جملگی سیاه
جملگی کلاغ

شیراز - ۱۱/ مهر ۱۳۹۰

۱۳۳

سازمان مطبوعات
شماره ۵۲
مهر ۱۳۹۲

بازداشت دوزن در عربستان به دلیل رانندگی

دو زن توسط پلیس به دلیل رانندگی و برای خودداری از تماس با سرپرست مرد خود برای بازگرداندن آنها به خانه در ریاض، پایتخت عربستان، بازداشت شدند.



آزال شمسی و باریال زبیدی پس از دستگیری در نزدیکی یک مجتمع خرید و رفتن به اداره پلیس، از تماس با بستگان مرد خود که در عربستان امری مرسوم است، خودداری کرده و گفته‌اند که خود مسئول اعمالشان هستند. گفته می‌شود که این دو زن در تلاش برای اثبات حق خود برای رانندگی دست به این کار زده‌اند. اگرچه هیچ قانونی زنان را از رانندگی در عربستان سعودی ممنوع نکرده، اما مجوز رانندگی برای آنها صادر نمی‌شود. این خبر بحث جدیدی را آنلاین در مورد این موضوع و به شکاف روزافزون بین موافقین و مخالفین رانندگی زنان در عربستان دامن زده است.

عصیان: سنت، که از مذهب افراطی و ارتجاعی تغذیه می‌کند، باعث نادیده گرفته شدن نقش زن به عنوان انسان می‌شود و به شکل‌های گوناگون حقوق اولیه و اساسی زنان را نقض می‌کند.

برنامه آزمایش باکرگی دختران دانش آموز در اندونزی

مقامات آموزشی شهر "پرابو مولیه"، در جزیره سوماترای اندونزی، قصد دارند با تصویب برنامه ای دختران دانش آموز ۱۶ تا ۱۹ را از سال ۲۰۱۴ هر سال مورد آزمایش باکرگی قرار دهند تا از "فروپاشی ارزش های اخلاق" جلوگیری کنند.

به گزارش وبسایت آلمانی "اشپیگل آنلاین"، به نقل از روزنامه "جاکارتا پست"، محمد رشید، رئیس امور آموزشی شهر، در این رابطه گفته است که این آزمایش به سود خود آنان است و باکرگی حق هر زنی است. وی همچنین گفته است که این آزمایش موجب می شود تا از "فعالیت های منفی" دختران جلوگیری شود.

هم اکنون بحث داغی بر سر این برنامه در اندونزی در گرفته است. در حالی که هم از سوی دولت و هم از سوی شبکه های اجتماعی این کار "نقض حقوق انسانی و تبعیض و توهین آمیز" دانسته شده و محمد نوح، وزیر آموزش، آن را رد کرده است، سیاستمداران محافظه کار اسلامگرا از این برنامه استقبال کرده اند. حصر الازوار، از حزب محافظه کار اسلامی، گفته است که "باکرگی مقدس و از دست دادن آن برای هر دختری ننگ است".

کمیسیون ملی حقوق کودکان اعلام کرده است: دخترانی هستند که باکرگی شان به علت تصادف یا ورزش آسیب می بیند. این دختران نباید پیشاپیش محکوم شوند.

ینی رسالتینی، فعال حقوق زنان، اظهار داشت: باکرگی مسئله ای شخصی است و چنین آزمایشی نقض حقوق بشر است. دولت باید پیامدهای چنین آزمایشی را در نظر داشته باشد.

عصیان: در مذهب، زن تنها به عنوان یک کالای جنسی در نظر گرفته می شود که باید به تملک مرد درآید. طبق آموزه های مذهبی، رابطه جنسی لذتی است که فقط برای مرد است و زن حقی در این مورد ندارد و باید دست نخورده باقی بماند. باکرگی یکی از اصول بنیادین مذهب به خصوص در اسلام است که از باور به تملک مرد بر زن ریشه می گیرد ولی در واقع یکی از مصداق های نقض حق زن بر بدن خویش است که در جوامع مذهبی مردسالار به طور گسترده باز تولید می شود.

بیشتر قتل های جنوب کرمان ریشه ی ناموسی □ دارند

علی توکلی نماینده عالی قوه قضائیه در استان کرمان، اعلام کرد که ریشه بسیاری از قتل ها در منطقه جنوب استان اتفاق ناموسی است؛ یعنی به صرف ارتباط یک دختر و پسر، خانواده دختر مرتکب قتل دختر یا خواهر خود می شوند که این رفتار، رفتاری غیرشرعی و غیرانسانی است.

به گزارش «استان بان» به نقل از سایت دادگستری استان کرمان، وی ضمن بیان این مطلب افزوده است که متأسفانه هنوز شاهد برخی از افکار ناصحیح قرن های گذشته در برخی از نقاط استان هستیم.

وی همچنین گفت که قانون برای رفتارهای غیر اخلاقی دختران و پسران راهکار ارائه داده و این درست نیست که به خاطر یک عمل احساسی غلط، دختر یا پسر را به گلوله بست. این قتل ها قطعاً قتل عمد محسوب شده و هیچ توجیهی نیز نمی تواند داشته باشد. وی از «سران طوایف، متنفذین منطقه، ائمه جمعه و جماعات و دست اندر کاران امور فرهنگی» خواست که این دیدگاه و باور را تغییر دهند.

عصیان: ناموس زمانی معنا می یابد که به زن به چشم کالای خانواده نگریسته می شود نه یک انسان مستقل. این نوع دید اتفاقی به وجود نمی آید و حاصل فشارهای مذهب و سنت در

چهارچوب یک دولت مرتجع مذهبی است و ابراز نظر بی طرفانه ی مسئولان نظام در این مورد، ظاهر فریبی و به سخره گرفتن افکار عمومی است.



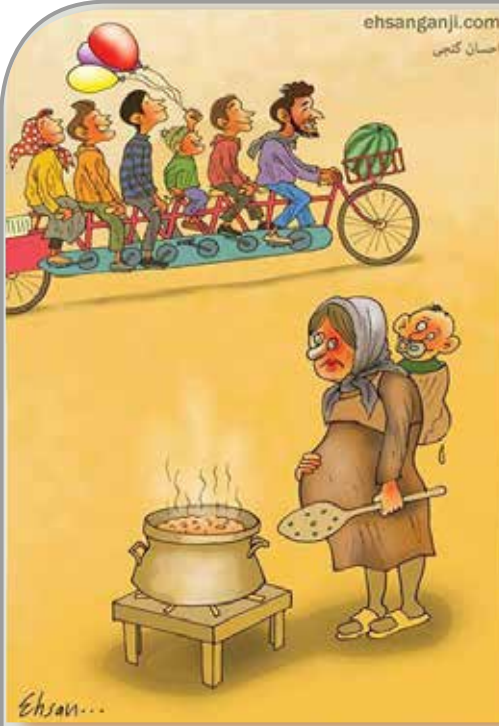
ثبت ازدواج موقت در قانون جدید الزامی نیست

با وجود انتقادات شدیدی که به ازدواج موقت وجود دارد و حتا برخی سایت های اسلامگرا نیز آن را موجب کامجویی مردان مرفه دانسته اند، در «قانون حمایت از خانواده» بخشی از ازدواج های موقت، الزامی برای ثبت ندارند.

احمد تویسرکانی، معاون رئیس قوه قضائیه و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، در گفتگو با ایلنا اظهار داشت که در رابطه با قانون حمایت از خانواده پیش بینی آیین نامه ای شده است که باید در دولت به تصویب برسد. مقدمات این کار در حال انجام شدن است و هنوز به تصویب نرسیده که چه نوع از ازدواج های موقت ثبت شود و شیوه ثبت آن به چه گونه باشد.

وی ضمن بیان این که ثبت ازدواج موقت در قانون جدید الزامی نیست، تصریح کرد که در گذشته طبق قانون همه مکلف بودند ازدواج های موقت را به ثبت برسانند، اما در قانون حمایت از خانواده بخشی از ازدواج های موقت الزامی برای ثبت ندارند که البته برخی ها می گویند این خوب است و برخی ها می گویند بد است.

عصیان: صیغه، خلاصه ی دیدگاه مرتجع مذهب در مورد زن و جایگاه او است. مذهب، زن را به عنوان ابزار کامجویی مرد می بیند و باعث می شود که صیغه وارد مراوده ی اجتماعی شود.



تبعیض و خانه نشین کردن زنان در طرح «جمعیت و تعالی خانواده»

طرح "جمعیت و تعالی خانواده" توسط برخی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دیگر متخصصان، نه تنها طرحی پر هزینه و بی اثر، بلکه طرحی دانسته شده است که تبعیض علیه زنان و خانه نشین کردن آنان را نیز در بر دارد.

شهلا کاظمی پور، جمعیت شناس، در گفتگو با خبرگزاری ایلنا، ضمن نقد و بررسی این طرح از زوایای مختلف، از جمله در بخش مربوط به اشتغال زنان، اظهار داشت که در ماده ۹ این طرح در همه بخش‌های دولتی و غیر دولتی، اولویت استخدام به ترتیب با مردان دارای فرزند و سپس مردان متأهل فاقد فرزند و سپس زنان دارای فرزند داده شده و به کارگیری یا استخدام افراد مجرد واجد شرایط در صورت عدم وجود متقاضیان متأهل واجد شرایط بلامانع اعلام گشته است.

به گفته وی، این نوع رویکرد باعث ایجاد تبعیض و اعمال سلیقه و حذف تعداد زیادی از دختران تحصیل کرده جامعه از بازار کار و تقلیل دادن بازار اشتغال به تخصص کمتر خواهد شد. همچنین افزایش مرخصی مادران به ۹ ماه، مقاومت کارفرمایان در استخدام زنان جوان را در پی داشته و عملاً به ضرر زنان جوان و به ویژه زنان تحصیلکرده خواهد بود.

این جمعیت شناس ماده ۲۸ این طرح مبنی بر بازنشستگی زنان شاغل با ۱۰ سال سابقه کار، در صورت تمایل آنان، را نیز زیانبار ارزیابی کرده و گفته است که این ماده برای زنان شاغل این خطر را دارد که مسئولین و کارفرمایان از اختیارات خود استفاده کرده و زنان را پیش از موعد بازنشسته کنند.

شهلا کاظمی پور ماده ۲۹ طرح را نیز، که شامل «بیمه اجتماعی چند لایه زنان متأهل خانه دار، متناسب با میزان تحصیلات و شان آنها، میزان درآمد در صورت اشتغال به کار و تعداد فرزندان آنان» می باشد، مورد انتقاد قرار داده و گفته است که با توجه به این که استخدام زنان مجرد با اجرای ماده ۱۱ این طرح بسیار محدود می شود، بنابراین تعدادی از دختران مجرد به زیر خط فقر خواهند رفت؛ چون امکان بیمه شدن آنها در این طرح دیده نمی شود.

عصیان: در این نظام، راندن زنان به زیر بیرق ازدواج و زندگی خانوادگی اولویتی است که ریشه در فواین فقهی و مذهبی دارد. تفکیک جنسیتی دانشگاه، محدود کردن امکان اشتغال زنان در بیرون از خانه، طرح‌های تکریم خانواده و تشویق به ازدیاد جمعیت همگی ابزارهایی برای رسیدن به این هدف مشترک هستند.

پیشنهاد «قانون مبارزه با بدحجابی» مانند قوانین راهنمایی و رانندگی

مقاومت زنان شهروند ایران در مقابل تحمیل پوشش مطلوب اسلامگرایان، از سویی به اعتراف ناخواسته آنان منجر گشته و از سوی دیگر زمینه‌ساز سخنانی مضحک شده است. خبرگزاری فارس، در تاریخ مهر ۱۳۹۲، در مطلبی با عنوان «تاملی در وضعیت فعلی حجاب»، از جمله نوشت: الگوهای زنان و دختران ما مارک‌ها و برندهای آمریکایی و اروپایی شده و آن‌ها به دنبال اندام لاغر مدل‌های کمپانی «ویکتوریا سیکرت» هستند.

در این نوشته همچنین آمده است که چرا در یک جامعه اسلامی بسیاری از بانوانی که حجاب را رعایت می‌کنند و چادری هستند، در اقلیت قرار دارند و اگر در بعضی از محافل از آن‌ها پرسیده می‌شود که آیا همیشه چادر سر می‌کنید؟ می‌گویند: نه!

در مقابله با این روند، زهره سادات لاجوردی، مدیر سیاسی و فرهنگی مرکز امور زنان و ریاست جمهوری، در همایش تقدیر از زنان برگزیده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، با تأکید بر این که برخوردهای گشت ارشاد نباید به صورت مقطعی و فصلی باشد، از جمله گفته است که استمرار در برخورد با "بدحجابان" مهم است چون، بسیاری از اوقات بدحجابی در یک فصل کنترل می‌شود و نیروی انتظامی برخوردهایش را شدیدتر می‌کند، اما با پایان فصل همه چیز تمام می‌شود و بدحجاب می‌داند که دیگر کنترلی بر پوشش او وجود ندارد و دوباره با پوشش نامناسب در جامعه حضور می‌یابد.

به گزارش ایلنا، وی برای حل این مشکل گفته است که باید قانون مبارزه با بدحجابی داشته باشیم، درست مثل داشتن قوانین راهنمایی و رانندگی. همان طوری که کسی از قوانین راهنمایی و رانندگی تخلف می‌کند با او برخورد می‌شود، با یک بدحجاب هم همیشه باید برخورد شود.

این مقام مرکز زنان، به همین هم اکتفا نکرده و گفته است که هر کسی باید خودش یک نیروی انتظامی باشد و با تذکر لسانی و رعایت امر به معروف و نهی از منکر در زمینه حجاب تذکر دهد.

عصیان: تأکید بیش از حد بر حجاب اجباری از سوی این نظام، نشان‌گر جایگاه ویژه‌ی آن در سرکوب و ستم بر زن است. مبارزه برای براندازی نظام راه‌حل حذف حجاب اجباری است.

حمله اسلامگرایان

به

خوابگاه دختران دانشجو در تونس

اسلامگرایان افراطی، زنان جوان در یک خوابگاه دانشجویی را با پرتاب سنگ و بطری مورد حمله قرار دادند تا جشن توأم با رقص و موسیقی آنان را بر هم بزنند. به گزارش خبرگزاری اتریش، دختران دانشجو شامگاه روز چهارشنبه ۱۷ آوریل در خوابگاهشان واقع در بخش «بردو»، در پایتخت کشور، نمایش هفتگی رقص و موزیک خود را شروع کرده بودند که ده‌ها تن از سلفی‌ها به خوابگاه حمله کردند. به گفته یکی از دانشجویان، آن‌ها شیشه‌های پنجره‌ها را شکسته و سنگ و بطری به طرف دانشجویان پرتاب کردند. دانشجویان مجبور شدند برنامه خود را تعطیل کنند. دانشجوی دیگری گفت که این حمله تلفاتی نداشت و کسی هم دستگیر نشد؛ اگرچه پلیس در محل بود، اما اقدامی علیه اسلامگرایان نکرد.

مدیریت خوابگاه اعلام کرد که سلفی‌ها دخترانی را که لباس غربی می‌پوشند و سیگار می‌کشند و یا با دوست پسر خود بیرون می‌روند، مورد تهدید قرار داده‌اند.

این حمله به عنوان ضربه‌ای دیگر به حقوق شهروندی در تونس پس از «بهار عربی» ارزیابی می‌شود.

عصیان: رشد مذهب و گروه‌های افراطی مذهبی در هر جامعه‌ای به معنای حذف زنان است. مذهب، ابزار بازتولید دیدگاه دگم مردسالاری است که در آن هرگونه رفتار خارج از سنت که از زن سرزنند، محکوم به نابودی است.

حمله کلیسای ارتدکس روسیه به فمینیسم

کیریل اول، اسقف کلیسای ارتدکس روسیه، در سخنانی که در روز ۱۰ آوریل منتشر شد، فمینیسم را با کلماتی تند مورد انتقاد قرار داد و گفت این «پدیده بسیار خطرناک است» و باعث «نابودی تقسیم وظایف میان زنان و مردان» می‌شود. وی همچنین مدعی شده است که فمینیست‌ها نوعی شبه آزادی برای زنان را تبلیغ می‌کنند که «خارج از ازدواج و خانواده» است. وی افزوده است که «ایدئولوژی فمینیسم» در تضاد با ارزش‌های خانواده است.

به گزارش فوکوس آنلین، وی که برای عده‌ای از اعضای سازمان زنان ارتدکس سخن می‌گفت، تأکید کرد: «زن باید مشغول خانه داری و بچه‌داری باشد. این نقش زن فوق‌العاده مهم است. اگر این تقسیم وظایف نابود شود، همه چیز نابود می‌شود؛ نخست خانواده و در بعدی گسترده‌تر سرزمین پدری».

کیریل اول به ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، بسیار نزدیک است و کسی است که خواهان محاکمه اعضای گروه موسیقی «پوسی رایوت» شد که دو تن از آنان هر یک به دو سال زندان و تبعید محکوم شدند.

عصیان: مذهب، ابزار بازتولید مردسالاری است. فرقی ندارد کدام نوع مذهب و در کجای دنیا باشد، برنامه‌ی آن حتماً انقیاد زن و تسلط بر او است.

عکس از رویترز: کیریل اول، اسقف کلیسای ارتدکس، در کنار ولادیمیر پوتین



دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب: بیرون آوردن

زن از خانه بزرگ‌ترین خیانت‌ها به جامعه بشری بود!

حضور اجتماعی زن در جامعه در حال گذار ایران به سوی مدرنیته، به یکی از دغدغه‌های اصلی بنیادگرایان اسلامی در ایران تبدیل شده است.

به گزارش تسنیم، «آیت الله اراکی»، دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب، در «همایش بین‌المللی اتحادیه جهانی زن مسلمان» در روز ۱۶ شهریور در حضور بیش از ۱۲۰ میهمان داخلی و خارجی، گفته است که در اندیشه سکولار غرب، جامعه عبارت از مجموعه‌ای از افراد است و نه مجموعه‌ای از خانواده‌ها؛ و از همین روست که زنان نیمی از جامعه بشر محسوب می‌شوند. امروز مشکل اصلی جامعه بشری متلاشی کردن خانواده و محروم ساختن بشر از دامن‌های پاک است و از بزرگترین فجایع جهان امروز نابود کردن خانواده در جوامع بشری است.

وی افزود که زن را از خانه بیرون آوردند، خانه را زندان زن برشمردند و زنی که در خانه بماند و انسان پاک بپروراند، به عنوان زن خانه‌دار معطل بیکار معرفی کردند و این یکی از بزرگترین خیانت‌هایی بود که بر جامعه بشری روا شد. امروز جنایت، جنگ‌ها و بیماری‌های روانی و جسمی عمدتاً از یک منشاء سرچشمه گرفته است.

از سوی دیگر، احمد علم‌الهدی، عضو مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه مشهد نیز از انتخاب یک زن به عنوان سخنگوی وزارت خارجه انتقاد کرده و گفته است که در خصوص این موضوع با رئیس جمهور در حاشیه اجلاس خبرگان صحبت کرده و با اشاره به «آیه هجده سوره زخرف» در قرآن، اظهار داشته که انتخاب یک زن به عنوان سخنگوی سیاست خارجی یک دولت اسلامی و دینی خلاف آیه قرآن است.

عصیان: «دامن پاک» زنجیر مذهبی به پای آگاهی و خودشناسی

زن است. این زنجیر کارکرد زن را فقط سکس و فرمان‌برداری می‌داند و حضور زن در اجتماع و دور شدن او از کلیشه‌های مذهبی را برنمی‌تابد.



دختر دانشجوی تونس: با تراشیدن موهای سرم مذهب راهم کنار گذاشتم

بسیاری از دختران و زنان تونس که پیش از «بهار عربی» از پیشرفته‌ترین قوانین برابری جنسیتی در کشورهای اسلامی برخوردار بوده و در انقلاب نقش فعالی داشتند، با روی کار آمدن اسلامگرایان در این کشور به شدت سرخورده شده‌اند.

یکی از این دختران، نادیا، دانشجوی ۲۵ ساله هنر است. وی از کودکی نزد پدر بزرگش زندگی کرده بود. پدر بزرگش که درگذشت، نادیا بر اساس باورهای سنتی اسلامی مردم، حق شرکت در خاکسپاری او را نداشت. وی هنگام خاکسپاری از دیوار گورستان ناظر خاکسپاری بود که توسط مردی از بستگان دور خود غافلگیر شد. آن مرد بر سرش فریاد کشید: گم شو! زن‌ها نجس حساب می‌شوند و حق ندارند در گورستان باشند!

نادیا به خانه بازگشت و برای نخستین بار به معنای مذهب اندیشید. وی از خود پرسید: این چه خدایی است که به مرد اجازه می‌دهد تا این طور مرا تحقیر کند؟ همان لحظه بود که موهای سرش را تراشید و همراه آن مذهب را نیز ترک گفت.

به گزارش روزنامه بلیک سوئیس، نادیا حدود دوسال و نیم پیش در تظاهرات خیابانی شرکت داشت و با روی کار آمدن حزب اسلامگرای النهضه، می‌گوید: اسلامگرایان دارند مراکز شهرها را مانند موش‌ها تسخیر می‌کنند.

وی اکنون به همراه دوستش، علا، یک گروه فیسبوکی بی‌مذهب‌ها را تشکیل داده است. او فکر نمی‌کند که آتئیست‌های تونس به این زودی، همانند همفکران مصری‌شان، بر پا خیزند، اما این تلاش برای او انگیزه بخش است.

عصیان: آگاهی، می‌تواند ریشه‌های ستم بر زن در جوامع مردسالار مختلف از جمله جوامع اسلامی را نشانه بگیرد: افزایش این آگاهی و بردن آن به میان قشرهای مختلف، وظیفه‌ی همه‌ی ما است.

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس:

حق طلاق نباید به دست زنان باشد!

با افزایش میزان آگاهی زنان به حقوق خود و بالا رفتن میزان طلاق و عدم تحمل زندگی مشترک به هر قیمتی، مردان بنیادگرای اسلامی احساس خطر می‌کنند.

عبدالرضا عزیزی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، با توجه به میزان طلاق که به گفته وی ۲۰ درصد میانگین ازدواج‌ها را در بر می‌گیرد، «گرایش به مصرف فرهنگ غرب و گسترش فساد و بی بند و باری‌های جنسی و آزادی‌های افسار گسیخته» را موجب افزایش طلاق دانسته است. این نماینده مجلس ۲۹۰ نفره اسلامی که تنها ۸ زن محافظه کار در آن حضور دارند، در گفتگو با سایت «خانه ملت»، همچنین، با استناد به برخی آیات و روایات، گفت که نباید حق طلاق به زنان داد. چرا که به زعم او، این امر می‌تواند «بهانه‌های مختلف» به دست زنان بدهد و افزایش طلاق را شدت بخشد.

وی همچنین از اعتیاد، مشکلات اقتصادی و ماهواره به عنوان سه عامل افزایش طلاق در جامعه ایران نام برده است. وی در حالی از افزایش طلاق رسمی اظهار نگرانی می‌کند، که به گزارش سایت قانون و به گفته حسین باهر، جامعه شناس و بنیانگذار مکتب رفتارشناسی در ایران، تقریباً ۲۵ درصد ازدواج‌ها به طلاق رسمی می‌انجامد، ۲۵ درصد در مسیر صحیح ادامه می‌یابد و مابقی زوج‌ها از درجاتی از طلاق عاطفی (زندگی فیزیکی مشترک، بدون پیوند عاطفی با همسر) رنج می‌برند. یعنی نیمی از زوج‌های ایرانی درگیر طلاق عاطفی هستند.

عصیان: داشتن حق طلاق یکی از ابتدایی‌ترین حقوق زن است که از طرف مذهب پامال شده است. اساس نگرش مذهب به زن مبنی بر کالا بودن او است که باید به تملک مرد درآید. برای نیل به این هدف، آموزه‌های مذهبی مانند حق طلاق، شرط رضایت پدر برای ازدواج دختر، نفقه، مهریه و... به‌طور گسترده زمینه را برای وابستگی زن به مرد فراهم می‌کنند.

رهبر جمهوری اسلامی:

خانه داری و بچه آوری زنان هنر و مجاهدت است!

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در سخنانش به مناسبت روز تولد فاطمه، دختر پیامبر مسلمانان، ضمن انتقاد به نگاه غرب به زن، نگاه اسلامی خود را منطقی‌ترین و متین‌تر نگاه دانست و از جمله به برشمردن برخی امتیازهای انحصاری زنان نسبت به مردان از دیدگاه اسلامی پرداخت.

به گفته وی، از جمله این امتیازها خانه داری، فرزند آوری، اهتمام به حفظ محیط خانواده، انس خانوادگی و پرورش و تربیت فرزندان است. به گزارش بهار، وی تأکید کرد: خانه داری و فرزند آوری مجاهدتی بزرگ و هنری زنانه است که توأم با صبر، عاطفه و احساسات می‌باشد و اگر توجه لازم به آن صورت پذیرد، پیشرفت یک جامعه تضمین خواهد شد.

گفتنی است که به مناسبت تولد فاطمه، سخنان مشابهی از سوی افراد زیادی تکرار شد. از جمله عباس رهی، استاندار سمنان، در همایش «زن، ایثار و ولایت پذیری» که توسط دفتر امور بانوان و خانواده استانداری سمنان برگزار شد، گفته است که در دین اسلام مادر بودن همه‌اش مهر، عطف و زیبایی است.

به گزارش ایلنا، وی جایگاه زنان و مادران را «جایگاه برتر» دانست و در توضیح آن گفت: این مادر است که به شوهر و فرزند خود اجازه می‌دهد به جبهه برود و به مقام والای شهید نائل شود.

وی ضمن سخنانش اذعان داشت که «سن ازدواج بالا رفته و مفهوم زندگی یک مقداری غربی و مادی شده» و «از اصالت مقداری فاصله گرفته» شده است.

عصیان: در اسلام چیزی به نام زن وجود ندارد چون زن فقط باید مادر یا همسر باشد و فقط در این بستر است که این تفکر و ادبیات زن‌ستیز به عنوان هنجار اجتماعی جامعه مذهبی معنا می‌یابد.

سند «کاهش اختلاط دختر و پسر در دانشگاه‌ها» ابلاغ شد

با آنکه حسن روحانی، رئیس‌جمهور، در جریان مبارزات انتخاباتی با تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها مخالفت کرده بود، اکنون خبر می‌رسد که سند دانشگاه اسلامی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی با امضای رئیس‌جمهور به وزارت خانه‌های بهداشت، علوم و دانشگاه آزاد ارسال شده و توسط معاونان مربوطه به دانشگاه‌ها ابلاغ گردیده، که بخشی از آن مربوط به «کاهش اختلاط غیر ضروری دختر و پسر در دانشگاه‌ها» است.

به گزارش مهر، این مطلب را حجت الاسلام روح الله شاطری، دبیر شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، اعلام کرده است.

در بخش مربوط به تفکیک جنسیتی، از جمله آمده است: گسترش فرهنگ عفاف و حجاب با تأکید بر اجرای ضوابط، تکمیل و متناسب سازی آن با مقتضیات دانشگاهی و مراکز آموزشی و نظارت بر حسن اجرا، ایجاد سازوکار ترویج، اجرا و به‌روزرسانی طرح انطباق و بازنگری و کارآمدسازی شاخص‌ها و مراعات اصول آن در فرایند اعتباربخشی بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی، اجرای دقیق و به‌روزرسانی استانداردها و آیین‌نامه‌های پوشش و رفتار حرفه‌ای در محیط‌های آموزش و درمان دولتی و غیر دولتی، حمایت از پژوهش‌ها و فعالیت‌های علمی و کاربردی در زمینه عفاف و حجاب در دانشگاه‌ها، تشویق دانشگاهیان فعال دارای نوآوری و ابتکار در جهت ترویج و زمینه سازی فرهنگ عفاف و حجاب، بازنگری و بهسازی در طراحی فضاها و بهینه سازی خدمات دانشگاه با هدف کاهش اختلاط غیر ضروری دختر و پسر.

در ادامه این بخش، «حمایت از تأسیس و گسترش دانشگاه‌های ویژه دختران و پسران» آمده و بر «ارزش و موازین شرعی حجاب و عفاف با تأکید بر نتایج فردی و اجتماعی در محیط دانشگاه» تأکید شده است.

در بخش دیگر نیز سخن از ساماندهی و سیاستگذاری فرایند «جذب دانشجویان مستعد، ارزشی و محجبه خارجی به ویژه از جهان اسلام» و ارتقای وضعیت فرهنگی و سیاسی آنان در میان است

عصیان: سکوت دانشجویان در زمینه این سند، خیانت به خودشان و دانشگاه و علم است. در شرایطی که حتی برای معماری دانشگاه بر اساس اصول مذهبی هم برنامه ریزی می‌کنند چگونه می‌توان ساکت بود و تن به چنین ذلتی داد؟



سعید جلیلی: در اسلام هویت زن در مادر بودن است نه در چرخه اقتصادی

سعید جلیلی، کاندیدای مورد حمایت طرفداران استراتژی «النصر بالعرب» برای یازدهمین دوره ریاست جمهوری، طی سخنانی، وظیفه زن را مادری دانست و مدعی شد که نگاه اسلامی به زن بر نگاه غربی برتری دارد.

به گزارش ایلنا، وی که در میان جمعی «صدها نفره از زنان فرهیخته و اندیشمندان» بسیجی و حزب اللهی سخن می‌گفت، از جمله اظهار داشت که امروز دو نگاه متفاوت در باره زن وجود دارد؛ یک نگاه غربی و یک نگاه اسلامی. در غرب بر اساس آن که کوچکترین واحد جامعه را فرد می‌بیند به هویت فرد اهمیت می‌دهند، اما در نظر اسلام کوچکترین واحد جامعه خانواده است و اسلام به دنبال اصالت دادن به خانواده است. وی ضمن رد فردیت زن، افزود که هویت زن در خانواده شکل می‌گیرد که همان مادر بودن است نه در چرخه اقتصادی و بازار سرمایه.

این کاندیدای ریاست جمهوری همچنین ادعا کرد: ما امروز نباید در خصوص موضوعات زنان متهم باشیم، بلکه باید مدعی حقوق زنان در جهان باشیم.

عصیان: راحت گذشتن از کنار این گونه اعترافات سهل‌انگاری ما زنان است. اوج زن‌ستیزی اسلام در همین کلمات که حرف مشترک تمام دست‌اندرکاران نظام است به خوبی نمایان است. همه ما باید خود را در قبال افشاگری در این زمینه مسئول بدانیم.

سوء استفاده جنسی از هزاران دختر توسط

کشیش‌های کاتولیک در هلند

بر پایه تخمین‌های یک کمیسیون تحقیق، از سال ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۰، هزاران دختر ۶ تا ۱۴ ساله توسط روحانیان کاتولیک هلند مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند. ۴۰ درصد این دختران سالهای طولانی به طور مستمر مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. این کمیسیون که از سوی کلیسای کاتولیک مأمور بررسی موضوع شده بود، ۱۵۰ مورد را مورد بررسی قرار داد. در گزارش آن آمده است: «رقم واقعی قربانیان قابل تخمین نیست. احتمالاً دهها هزار نفر هستند».

به گزارش خبرگزاری اتریش، این کمیسیون در سال ۲۰۱۱ نیز گزارشی در باره سوءاستفاده از پسران در نهادهای کلیسای کاتولیک ارائه داد که طبق آن بین ۱۰ تا ۲۰ هزار پسر قربانی خشونت جنسی شده‌اند.

اغلب این موارد سوءاستفاده‌ها مضمول مرور زمان شده‌اند. اسقف‌های هلندی به قربانیان وعده پرداخت خسارت و کمک‌های روان‌درمانی داده‌اند.

عصیان: ژست‌های اخلاقی مذهبی‌ها فقط نقابی است برای فریب افکار عمومی. تمامی مذاهب، نقاط مشترک زیادی در استفاده‌ی ابزاری از انسان‌ها دارند یکی از آن‌ها سوءاستفاده‌ی جنسی است که سالانه قربانیان زیادی در جهان می‌گیرد. نباید اجازه داد این اقدام‌ها رفتار فردی جلوه داده شوند و مذهب از آن مبرا شود.

عکس گرفتن از بازی زنان بسکتبال، با حجاب هم ممنوع شد!

فدراسیون بسکتبال همچنان اجازه گرفتن گزارش تصویری از مسابقات سوپر لیگ بسکتبال بانوان، که با پوشش اسلامی هم برگزار می‌شود، را نمی‌دهد. به گزارش ایسنا، قرار است مسابقات سوپرلیگ بسکتبال بانوان در فصل جدید با پوشش اسلامی برگزار گردد تا بازیکنان برای شرکت در رقابت‌های بین‌المللی آماده شوند و همچنین اسپانسر برای تیم‌های بسکتبال بانوان جذب شود. طبق این گزارش، حضور رسانه‌ها و تماشاچیان بیشتر در سالن‌های بازی بسکتبال بانوان امکان بالا رفتن انگیزه بازیکنان و همچنین جذب اسپانسر برای تیم‌ها، که مشکل همیشگی بسکتبال بانوان و حتی کل ورزش بانوان است، رفع می‌شود. اما با نظر فدراسیون، عکاسان اجازه گرفتن عکس حین انجام بازی را ندارند و فقط می‌توانند در ابتدای بازی عکس دسته جمعی تیمی بگیرند. این موضوع در حالی انجام می‌شود که بازیکنان حجاب مناسب را دارند.

فاطمه کرم زاده، نایب رییس بانوان فدراسیون بسکتبال، در توضیح این مسئله گفته است که هنوز مجوزی برای عکس گرفتن عکاسان در حین انجام بازی را ندارند، اما عکاس فدراسیون با آشنایی به ضوابط موجود عکس‌های مناسب را از بازی می‌گیرد!

ایسنا در پایان نوشته است که سرمربیان و بازیکنان تیم‌های بسکتبال بانوان همیشه از این موضوع که بازی‌های بانوان رسانه‌ای نمی‌شود گلایه می‌کنند، اما در حالی که رسانه‌ها آمادگی برای پوشش دادن رقابت‌های زنان را دارند، فدراسیون با گذاشتن موانع بر سر راه آنها امکان عملی شدن این موضوع را سلب می‌کند. عصیان: هرگونه تلاش زنان برای فعالیت اجتماعی زیر ساتور قوانین دست‌وپاگیر مذهبی می‌رود. مبارزه با حجاب باید مبارزه‌ی مشترک ما باشد.

سنگسار مادر دو کودک به خاطر داشتن تلفن همراه در پاکستان

به گزارش کمیسیون آسیایی حقوق بشر، یک زن پاکستانی بر اساس حکم یک دادگاه قبیله‌ای، به جرم داشتن تلفن همراه، سنگسار شد.

طبق این گزارش، عریفه، زن جوان پاکستانی و مادر دو کودک، در یازدهم ژوئیه ۲۰۱۳ توسط عمو و دیگر اقوامش سنگسار شده و در بیابانی دور از روستای محل سکونت اش به خاک سپرده شد.

پلیس ایالت پنجاب اطلاعات اولیه و گزارش مربوط به آن را ثبت کرده، اما تاکنون هیچکس بازداشت نشده است. بر اساس گزارش پایگاه اینترنتی کمیسیون آسیایی حقوق بشر، دادگاه‌های قبیله‌ای توسط رهبران یک قبیله و ارباب‌ها اداره می‌شوند و در مناطق حاشیه‌ای ایالت پنجاب بسیار رواج دارند. این دادگاه‌ها اغلب علیه زنان حکم صادر می‌کنند و از چنان قدرتی برخوردارند که دستگاه قضایی مستقل پاکستان تا به حال نتوانسته آن را غیرقانونی اعلام کند.

کمیسیون آسیایی حقوق بشر از پارلمان پاکستان خواست تا علیه دادگاه‌های قبیله‌ای غیرقانونی، قانون‌های مناسبی تصویب کند تا موجب توقف کار این دادگاه‌ها شود. دولت نیز باید هر چه فوری تحقیقات در مورد پرونده عریفه را آغاز نماید و اعضای دادگاهی را که علیه وی تنها به جرم داشتن تلفن همراه حکم سنگسار صادر کرده‌اند، دستگیر و عدالت را اجرا کند.

خبرگزاری رسمی ایسنا، ضمن گزارش این جنایت نوشته است که زنان پاکستان اغلب قربانی این گونه قضاوت‌های غیرقانونی در این کشور می‌شوند و این حادثه فقط نمونه‌ای از فرهنگ مردسالارانه در جامعه پاکستان است. این در حالی است که در قانون مجازات اسلامی «رجم» هنوز وجود دارد و در مواردی سنگسار نیز صورت گرفته است.

همچنین به گزارش «جامعه بین‌المللی برای حقوق بشر» که مقر آن در فرانکفورت است، در سال‌های اخیر نمونه‌هایی از سنگسار زنان در کشورهای عمدتاً مسلمان نشین، مانند نیجریه، ایران، پاکستان، سودان و امارات متحده عربی گزارش شده است.



محاکمه فعال حقوق زنان به اتهام توهین به

پیامبر و رئیس جمهور ترکیه

جانان آراین، وکیل مدافع و فعال حقوق زنان در ترکیه، به خاطر سخنانی که در سال ۲۰۱۱ علیه ازدواج دختران خردسال بیان کرده بود، محاکمه می‌شود. به گزارش وبسایت «اخبار آلمان و ترکیه»، آراین در یک گردهمایی گفته بود: مجسم کنید پیامبری را که دختر هفت ساله‌ای به خانه می‌برد و منتظر می‌ماند تا او قاعده شود و با وی آمیزش جنسی داشته باشد. و حالا یک رئیس جمهور ترکیه را مجسم کنید که به عنوان مردی ۳۰ ساله بخواهد با دختری ۱۴ ساله ازدواج کند.

جانان آراین در گفتگو با پرتال «اوپن دمکراسی.نت» در این رابطه گفته بود که منظور از آن سخنان این بوده تا مشکل ازدواج خردسالان را روشن کند. در همان کنفرانس گروهی از مردان او را به باد دشنام گرفتند و ۱۰ تن از آنان نیز از وی به خاطر کفر گویی و توهین به پیامبر شکایت کردند.

وی که همچنین بنیانگذار اتحادیه «مورچاتی»، اتحادیه‌ای برای دفاع از حقوق زنان است، گفت که در ترکیه لاقلاً ۱۸۱ هزار عروس خردسال وجود دارد.

محاکمه وی در حالی برگزار می‌شود که کمیسیون قانون اساسی ترکیه، با توافق همه احزاب حاضر در پارلمان این کشور، بر سر قانونی برای جلوگیری از ازدواج کودکان به توافق رسیده‌اند.

عصیان: افشاگری علیه مواضع و باورهای ضد زن در مذهب همواره با خشونت از طرف قدرت‌های مذهبی جواب داده می‌شود. به‌رحال این‌گونه برخوردها چیزی از ماهیت ضد زن مذهب نمی‌کاهد.

کم هوشی مذهبی ها نسبت به آتئیست ها

نتیجه پژوهش جدیدی که از ۶۳ مطالعه علمی که طی چندین دهه انجام گرفته، نشان می‌دهد که افراد مذهبی نسبت به غیر مذهبی‌ها کم هوش تر هستند. طبق بخشی از تحلیل دانشگاه روچستر به ریاست پروفسور مایرون زاگرم، "رابطه قابل اتکای منفی بین هوش و دینداری" وجود دارد.

این مطالعه که با عنوان "رابطه بین هوش و دینداری: فرا تحلیل و توضیحات پیشنهادی" در مجله "شخصیت و نقد روانشناسی اجتماعی" منتشر شده است، تصریح می‌کند که - حتی در سال‌های اولیه زندگی کودک - با بالا رفتن هوش، احتمال دوری از مذهب نیز بیشتر می‌گردد. محققان همچنین دریافته‌اند که در سنین بالاتر، افراد دارای هوش متوسط بالاتر، کمتر احتمال دارد "خداباور" باشند. یکی از مطالعات مورد استفاده در مقاله زاگرم، تجزیه و تحلیلی از اعتقادات ۱۵۰۰ کودک با استعداد، با ضریب هوشی بیش از ۱۳۵ بود که در خلال دوره‌ای طولانی انجام شده است. این مطالعه در سال ۱۹۲۱ آغاز شده و تا به امروز ادامه دارد. حتی در سنین بسیار بالا نیز این افراد نسبت به افراد متوسط (با ضریب هوشی متوسط) بسیار کم‌تر مذهبی هستند.

سه روانشناسی که این بررسی را انجام داده اند، هوش را "توانایی در استدلال، برنامه ریزی، حل مسائل، تفکر انتزاعی، درک ایده های پیچیده، یادگیری سریع و یادگیری از تجارب" تعریف می‌کنند و دینداری را معرف داشتن برخی از (یا همه) جنبه های دینی می‌دانند. همچنین عواملی مانند جنسیت یا تحصیلات هیچ تاثیری بر ارتباط بین هوش و باورهای دینی نمی‌گذارد. یکی از انتقاداتی که به این نتیجه‌گیری شده، این است که این بررسی تنها به یک تعریف از هوش تحلیلی می‌پردازد و اشکال به تازگی تعریف شده، یعنی؛ هوش خلاق و هوش عاطفی (شناخت

فتوای منع خروج زنان از خانه و فروش لوازم آرایش در ایالت بغلان افغانستان

بر اساس فتوایی که در منطقه «ده صلاح» ایالت بغلان افغانستان صادر شده، خروج زنان از خانه و حتی مراجعه به بیمارستان بدون همراه مرد ممنوع گردید و فروشگاه های لوازم آرایش به دلیل "خدمت به روسپی گری" بسته شدند.

به گزارش رویترز، این فتوا که در مقاوم ترین منطقه ضد طالبان صادر شده، مورد حمایت مشاور مذهبی حمید کرزای، رئیس جمهور افغانستان، است.

عنایت الله بلیغ، عضو سابق شورای شرع و مشاور کرزای، در رابطه با بسته شدن فروشگاه های لوازم آرایش گفت که امکان باز گذاشتن آنها نبود، مغازه برای خرید و فروش است نه زنا.

روحانیون این منطقه تهدید کرده‌اند که در صورت عدم رعایت آن باید از جهاد بترسند. مقاومت در برابر این فتوا نیز وجود دارد. به تازگی یک مغازه دار جوان شهردار را به ضرب گلوله کشت. به گفته پلیس، شهردار نه از روی اعتقاد، بلکه از ترس انتقام روحانیون اقدام به بستن مغازه‌ها کرده بود.

عبدالله که در این منطقه ۸۰ هزار نفره مغازه لوازم آرایشی داشت، می‌گوید که آنها آرزوی بازگشت دوره طالبان را دارند. اگر دولت دخالت نکند، آنها زندگی را بر ما دشوار خواهند کرد.

در این میان عبدل احد نبی‌زاده، سرهنگ پلیس، تأکید کرد که شایعات در باره فروشگاه های لوازم آرایش دروغ اند. آنچه که در فتوا آمده، در اینجا وجود ندارد و زنان از این مغازه‌ها تنها وسایل مورد نیاز خود را تهیه می‌کردند و بس.

عصیان: زن بدون مرد هیچ معنایی ندارد، این یکی از مهم ترین آموزه های مذهبی است که تلاش می‌شود به شکل های مختلف در جوامع نمود داده شود. حق زن و مذهب، آشتی ناپذیرند و یکی از مبارزات اساسی ما مبارزه با مذهب است.



و کنترل عواطف و هیجانات) را در نظر نگرفته است.

از این پژوهش که اولین فراتحلیل سیستماتیک از ۶۳ مطالعه انجام شده در سال های ۱۹۲۸ و ۲۰۱۲ می‌باشد، ۵۳ مطالعه مبین این است که ارتباط منفی بین هوش و دینداری وجود دارد، در حالی که ۱۰ مطالعه از آن ارتباط مثبت را نشان داده است. تنها دو مطالعه ارتباط مثبت و منفی قابل توجهی در مجموع ۳۵ مطالعه را نشان داده است. روانشناسانی که این بررسی را انجام داده اند، همچنین به دنبال قبضه کردن تفسیر سکولار از این یافته‌ها بوده و گفته‌اند که افراد باهوش تر کمتر احتمال دارد به باورهای دینی گرایش داشته باشند؛ زیرا خود را با ایده‌هایی حول کنترل شخصی درگیر می‌کنند. این محققین نوشته‌اند که مردم هوشمند به طور معمول زمان بیشتری در مدرسه صرف کرده و به شکلی از خودگردانی، که بازدهی آن منافی در درآمدت دارد، دست می‌یابند. دستیابی به مشاغل سطح بالاتر (اشتغال بهتر، حقوق و دستمزد بالاتر) باهوش ترها، می‌تواند منجر به داشتن اعتماد به نفس بالاتر شود و آنان را به کنترل شخصی تشویق نماید.

مخالفت مردم سنندج با ازدواج سرپرست و فرزند خوانده

به گزارش روابط عمومی کانون دفاع از حقوق کودکان، مردم سنندج روز سه شنبه ۱۶ مهر در مراسمی به مناسبت روز جهانی کودک، خواهان ممنوع کردن ازدواج سرپرست با فرزند خوانده شدند.

طبق این گزارش، شرکت کنندگان در این مراسم صدها تراکت تبلیغی و پلاکاردهایی در دفاع از حقوق کودک، و علیه خشونت و کودک آزاری با خود حمل کردند و فعالان حقوق کودک در مورد مسائل و مشکلات کودکان قربانی خشونت، کودکان کار و تبعیض سخن گفتند.

در این مراسم همچنین صدها کودک و نوجوان در فستیوال های شاد موسیقی، رقص ایستگاه نقاشی و بازی های تفریحی که از "طرف کانون دفاع از حقوق کودکان" سازماندهی شده بود، شرکت کردند.

در این تجمع پلاکاردهایی در رابطه با حقوق کودکان نصب شده بود، که روی آنها از جمله نوشته شده بود: استثمار کودکان ممنوع؛ ازدواج با فرزند خوانده یعنی اذیت و آزار کودکان تحت سرپرستی؛ ما خواهان لغو مصوبه ازدواج با فرزند خوانده هستیم

عصیان: ازدواج با فرزندخوانده در کنار صیغه، تم مذهبی سکس‌انگاشتی نگاه مذهب به زن است که حیطةی کودکان را هم از قلم نمی‌اندازد.. ازدواج با فرزندخوانده، دائمی و مستمر کردن خشونت تجاوز به کودک است.



محاکمه دختر ۱۹ ساله تونسی به اتهام «رفتار ضد اخلاقی»

امینه تایلر، دختر ۱۹ ساله عضو جنبش «فمن»، بازداشت شد و قرار است به اتهام «رفتار ضد اخلاقی» و «حرمت شکنی» محاکمه شود. اسلامگرایان تونس حتی خواستار سنگسار وی شده‌اند. امینه کمی پیش از بازداشت نوشت: «من ترسی ندارم. من عاشق آزادی هستم»

به گزارش وبسایت روزنامه اتریشی «دی پرسه»، وی دو هفته پیش بر دیوار گورستان مسجیدی حروف «فمن» را نوشته بود، جنبش زنان اوکراینی که با بالاتنه لخت علیه تبعیض ها اعتراض می‌کنند. امینه زمانی بر سر زبان‌ها افتاد که عکسی از خود با بالاتنه عریان را در فیسبوک منتشر کرد. وی در این عکس سیگاری بر لب دارد و روی شکمش با حروف سیاه به زبان عربی نوشته شده است: بدن من مال من است. در پی آن تهدید به مرگ شروع شد و یک واعظ تندرو خواستار مجازات او با ۱۰۰ ضربه شلاق و پس از آن سنگسار وی شد.

در تونس، پس از «بهار عربی»، یک حکومت اسلامگرا بر سر کار آمده و از آن زمان اسلامیزه کردن کشور شروع شده است.

عصیان: نپذیرفتن حق مالکیت زن بر بدن خود، نقطه‌ی مشترک تمام افکار مردسالار هر نوع مذهبی است که در مخالفت با سقط جنین و ناقص‌سازی جنسی زنان و... بروز پیدا می‌کند.

مدارس تحت نفوذ حوزه علمیه

آموزش و پرورش و حوزه علمیه قراردادی مبنی بر وابستگی مدارس دولتی تهران با حوزه علمیه بسته‌اند. مهران مجیدی، نماینده ستاد همکاری حوزه علمیه و آموزش و پرورش، گفته است که طبق این قرار داد و موافقت آموزش و پرورش تهران مدارس دولتی که وابسته به حوزه علمیه خواهند بود، تاسیس می‌شوند و یک روحانی نیز مدیریت تربیتی مدارس را خواهد داشت. او همچنین افزود که این مدارس بر «محوریت و نشر اندیشه تبعیت از ولایت فقیه، رعایت شئون و نهادینه سازی و ضابطه مند کردن تمام فعالیت‌ها» استوار خواهند بود. مشاوره به دانش آموزان، برگزاری نماز، تبلیغ اسلام و حضور یک روحانی در جلسه خانواده‌ها از دیگر اهداف این مدارس می‌باشند.

عصیان: تشدید اسلامیزه کردن مدارس و محیط‌های آموزشی، تلاشی است با هدف بازتولید فرهنگ مرد سالار و زن ستیز اسلام.

ویرانی «اصطبل‌های قاعدگی» توسط زنان شورشی نپال

زنان شورشی در غرب نپال، با حمله به اصطبل‌های گاو که می‌بایستی طبق سنتی به نام «چائوپادی» دوره قاعدگی خود را در آن سرکنند، بیش از ۳۰ اصطبل را ویران کردند.

به گزارش خبرگزاری آلمان به نقل از روزنامه «رپوبلیکا»، طبق سنتی قدیمی، زنان در دوره قاعدگی حق رفتن به زیارتگاه و ماندن در خانه را ندارند و این دوره را باید در اصطبل‌ها سر کنند. هر سال در این سرزمین هیمالیایی تعداد زیادی از زنان بر اثر نیش مار، کاهش حرارت بدن و یا خونریزی شدید جان خود را از دست می‌دهند.

یکی از فعالان زن به رپوبلیکا در این زمینه گفته است که آن‌ها بیش از ۳۰ اصطبل را فروریخته‌اند.

واگذاری طرح های «عفاف و حجاب» و «امنیت اخلاقی» از نیروی انتظامی به وزارت کشور

در پی انتقادات شدید به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی و پلیس اخلاقی [۱] مذهبی اش به خاطر خشونت مستمر علیه زنان و جوانان و مقاومت فزاینده جامعه مدنی در مقابل تحمیلات بنیادگرایان اسلامی، سرانجام خبر رسید که دو طرح «عفاف و حجاب» و «امنیت اخلاقی» به وزارت کشور واگذار شده است.

اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی کشور، اظهار داشت به روندی که دولت در پیش گرفته خوشبین است و امیدوار است که طرح امنیت اخلاقی و عفاف و حجاب با انسجام بهتری نسبت به گذشته ادامه داشته باشد.

وی با بیان این که نیروی انتظامی نیز در این زمینه با وزارت کشور که سرپرستی شورای اجتماعی کشور را برعهده دارد همکاری های لازم را داشته و خواهد داشت، از این تصمیم جدید وزارت کشور مبنی بر تشکیل شورای اجتماعی کشور خبر داد.

گفتنی است که ۲۶ ارگان و نهاد طی سال ها کوشیدند تا پوشش مطلوب بنیاد گرایان را در جامعه جا بیاندازند، اما اجرای آن تا کنون همواره جنجال برانگیز بوده و حاصل آن افزایش مقاومت - به گفته مقامات، «لججازی و دهن کجی به نظام» - بوده است

عصیان: حجاب، ستون نظام جمهوری اسلامی و در واقع پاشنه آشیل آن در مورد زنان است و به همین دلیل در این زمینه هیچ گاه کوتاه نمی آید و از هیچ تلاشی در زمینه سرکوب زنان به دلیل این موضوع فرو گذار نمی کند.

نماینده رهبر جمهوری اسلامی: سعادت زنان در ندیدن مردان است!

پافشاری دست اندرکاران جمهوری اسلامی بر امر تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها، به ویژه از طرف روحانیون، گاه آنان را وادار به بیان سخنانی می کند که نه تنها با روابط حاکم بر جامعه همخوانی ندارد، بلکه موجب ریشخند مردم نیز می شود.

تازه ترین نمونه در این زمینه سخنان محمد حسینی شاهرودی، نماینده ولی فقیه در کردستان، است که گفته است: بهترین راه رسیدن زن به سعادت آن است که مردان را کمتر ببیند و مردان هم کمتر او را ببینند.

به گزارش دیگران، به نقل از تسنیم، وی این سخنان را روز یکشنبه ۲۴ شهریور در دیدار با رؤسا و جمعی از استادان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی استان کردستان بیان کرده است.

وی ضمن ابراز تأسف از برکناری صدرالدین شریعتی، رئیس دانشگاه علامه طباطبایی، که در زمان تصدی بر این دانشگاه بسیاری از استادان دانشگاه را بازنشسته و محدودیت های فراوانی برای دانشجویان اعمال کرده بود، افزود که «تلاش برای جدا کردن دختران و پسران در محیط دانشگاه عین انجام معروف است و جرم رئیس برکنار شده دانشگاه علامه طباطبایی انجام همین معروف بود.»

عصیان: حذف زنان از جامعه و بازگرداندن آن ها به نقس های سنتی مادری و همسری آرزو و هدف دولت مرجع و مذهبی ایران است. حضور زن در جامعه و بالارفتن میزان آگاهی او از حقوق خود یکی از کابوس های این نظام مردسالار است که به هر وسیله ای متوسل می شود تا از آن جلوگیری کند.

یک کارشناس: دختران ایلامی یا فراری می کنند یا خودسوزی

با آغاز تبلیغات انتخاباتی ۸ مرد تأیید صلاحیت شده از سوی شورای نگهبان، زنان نیز با طرح مشکلات خود، به میدان آمده اند. از جمله حیران پورنجف، مدیر کلینیک مددکاری همراه استان ایلام، در گفتگویی با سایت مهرخانه گفته است که دختران مان یا فرار می کنند و یا خودسوزی. به گفته وی، در مناطق حاشیه نشین شهر ایلام، مانند محله های خیام و خاتمیه، فقر اقتصادی، بیکاری، فقر فرهنگی و عدم دسترسی آسان به اماکن فرهنگی باعث شده که ساکنان از زندگی استاندارد برخوردار نباشند.

وی تصریح کرد که بر اساس یافته های یک پژوهش، ۵۲ درصد زنان خانه دار ایلامی اوقات بیکاری خود را با نشستن دم در منزل سپری می کنند و علت کوچه نشینی خود را تنهایی و بیکاری اعلام کرده اند.

این مشاور سابق فرماندار ایلام همچنین گفت: با توجه به اینکه زنان ایلامی به امکانات فرهنگی و باشگاه های ورزشی دسترسی آسان ندارند، عده کمی از آنها فعالیت های ورزشی انجام می دهند؛ به گونه ای که ۹۲ درصد این زنان بیشترین فعالیت انجام گرفته در اوقات فراغت خود را رفتن به بازار و خیابان می دانند.

وی افزود که این استان در مرز کشور قرار دارد و سال ها در کانون جنگ بوده و همین مسئله باعث شده ما افراد معتاد زیاد داشته باشیم و خودکشی، خودسوزی و افسردگی در شهرمان بیداد کند. به ما فرصت فرهنگی برای سازش با تغییرات داده نشده است و به همین خاطر دخترانمان از خانه فرار می کنند یا اقدام به خودسوزی می نمایند.

عصیان: ایلام یکی از استان های بسیار محروم کشور است که مثلث هولناک مذهب، سنت و فقر حق حیات را از زنان و دختران آن گرفته است. زن به عنوان ناموس، جزئی از دارایی مرد های قبیله محسوب می شود که به تنهایی حتی امکان تصمیم گیری برای نفس کشیدن خود را هم ندارد. جهل و خرافه و نبود آگاهی در جامعه و نداشتن هیچ امیدی برای بهبود، زنان را به سرانگیزی خودسوزی می کشاند. آگاهی از حق خود و عصیان در برابر این ستم، از اصول مورد نیاز برای نجات زنان این استان است.

سنت های ارتجاعی

عامل اسارت زنان

شماره ۵ ج - روشنگر مینو

همگی ما به شکلی با انواع سنت های ضد زن برخورد داشته ایم. بکارت، قتل های ناموسی، ازدواج اجباری، ناقص سازی جنسیتی و سایر سنن ارتجاعی از این قبیل موارد هستند. ریشه ی شکل گیری تمامی این سنن، تفکرات مذهبی و روبنای اجتماعی است که ضامن بقای نظام مرد سالار است. در مناطق مختلف ایران، اشکال گوناگون این سنن در همراهی با حکومت دینی و قوانین اسلامی، ستم بر زنان را صد چندان کرده است.

شنیده می شود که دختری به جرم نداشتن بکارت، در شب اول ازدواج، به قتل رسیده یا طلاق داده می شود. برخی برای اجتناب از این مورد، قبل از ازدواج، گواهی طلب می کنند. ریشه ی این نگرش (لزوم بکارت)، برخاسته از نظام مبتنی بر مالکیت خصوصی و مالکیت مرد بر زن است. بکارت نوعی ضمانت برای دست نخوردگی کالا است، در شنیع ترین شکل، یک انسان، یک زن به کالا و یک شی تبدیل می شود، در رسمی چون خواستگاری، به اسم مهریه و شیر بها مورد داد و ستد قرار می گیرد و در تملک مرد دیگری قرار داده می شود. امروزه پیشرفت تکنولوژی، امکان ترمیم بکارت را ایجاد کرده است. با این حال،

اساس نگرش مبتنی بر بکارت زنان، حفظ آن و ترمیم آن، همگی ضد زن و تحقیرآمیز است و این علم و دانشی که در جهت اختراع و ساخت چنین ابزاری عمل می کند نیز، برخاسته از این نگرش ضد زن بوده و در جهت ستم بر زن را باز تولید می کند.

از سوی دیگر، خود زنان، به عنوان مادر یک دختر با دامن زدن به این نگرش، در بازتولید ستم بر جنس خود نقش دارند. بعضی از مادران، دختران را در سنین کودکی از رابطه با پسران باز می دارند، برای آسیب ندیدن بکارت به طور مداوم آنها را از اعمال پر جست و خیز، دوچرخه سواری و... منع می کنند. این مادران خود قربانی فرهنگ مرد سالار و سنت های ضد زن هستند اما در واقع مبدل به مجریان ساختار مرد سالار شده اند. دوستی که در حال تهیه پایان نامه ی خود می باشد و برای تحقیق و تفحص هر از چند گاهی به مدارس سر می زند، درباره ی اوضاع و احوال دانش آموزان در مدارس، آمارهایی را در مورد افسردگی، میزان خشونت و بزه کاری در میان آنها، دوگانگی شخصیت پرخاشگری و ... می داد که سر سام آور بود.

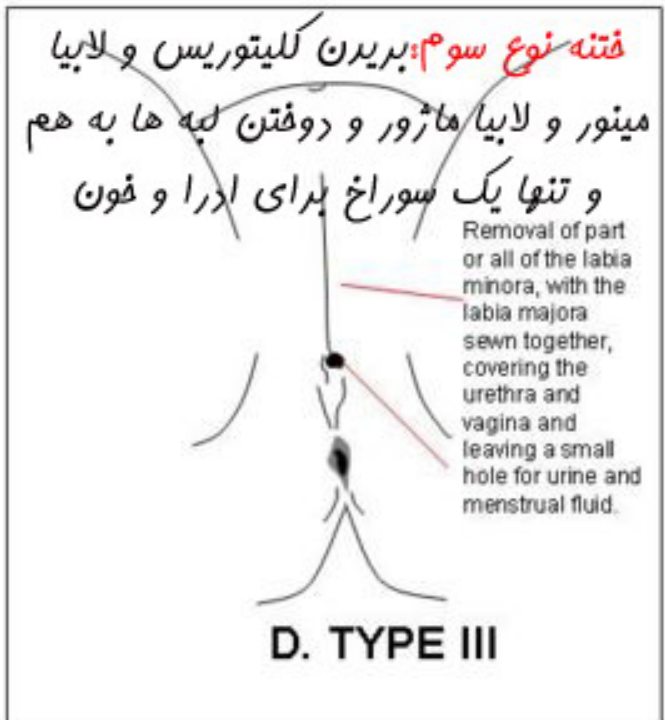
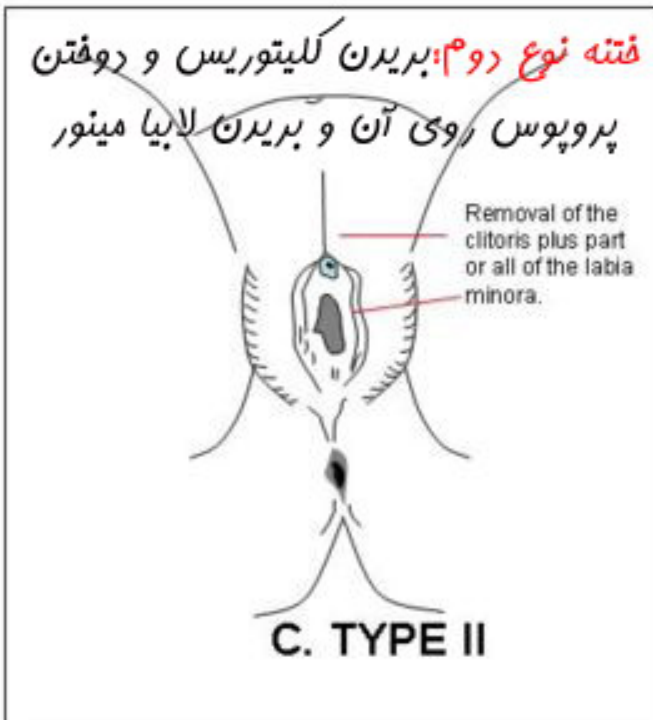
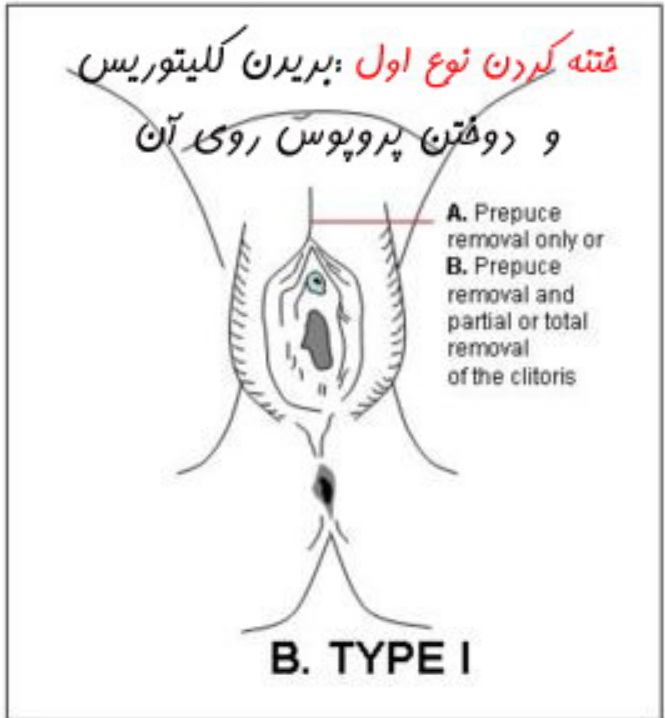
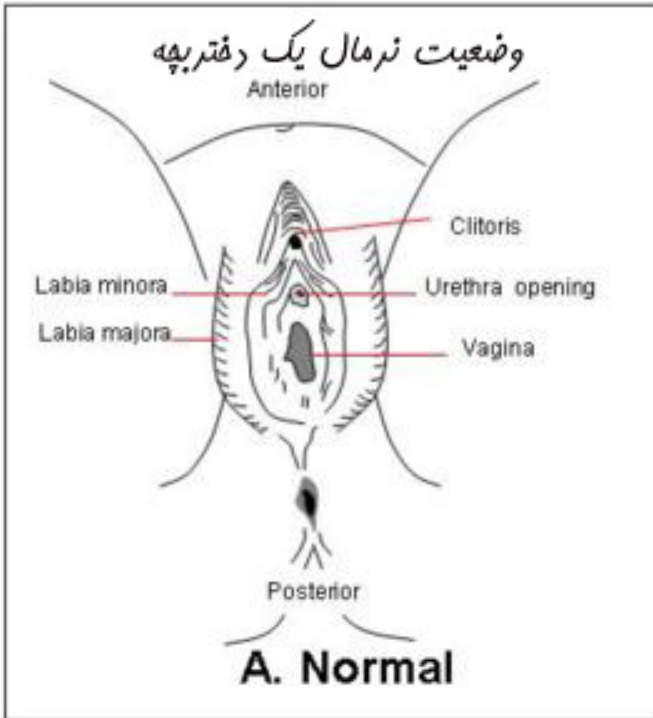
نقل قول هایی را از مدیران آنها مطرح کرد نظیر این که هر از چند وقتی که به کیف های بچه های مقطع ابتدایی سرک می کشند ، برگه ی سلامت

« بکارت معاینه شده » پیدا می کنند. این نشان دهنده ی ارزش وجود بکارت در دختر خرد سال می باشد. تحقیر دختر خرد سال که باید زین پس بداند تفاوت ها و تمایزاتی با جنس مخالف خود دارد و تا آخر عمر مزه ی تبعیض جنسیتی را بچشد.

سنت دیگری که در مناطق مرزی ایران رواج دارد، سنت ناقص سازی جنسیتی ویا در زبان غلط عامیانه، ختنه زنان است. این سنت به دنبال نگرش بکارت برای زنان شکل می گیرد و برای جلوگیری از تجربه ی لذت جنسی در دختران اجرا می شود. نوال السعداوی، نویسنده مصری، که خود یکی از قربانیان ختنه زنان در مصر است، در کتاب سیمای زن عرب، قسمتی از خاطراتش را وقتی در سودان طبابت می کرد، اینگونه بیان می کند: « عمل ختنه در سودان چند برابر مصر وحشیانه تر بود. در مصر به قطع کلیتوریس بسنده می کردند حال آن که در سودان به این شکل بود که کلیتوریس و دولبه بیرونی و هم چنین دو لبه کوچک درونی را نیز قطع می کردند. عمل در همین قسمت خاتمه نمی یافت، بلکه جراح چند بخیه اضافی هم می زد تا مجرای تناسلی به شدت تنگ شود و فقط برای خروج خون حیض جا باقی بماند. در نتیجه در شب ازدواج لازم بود تا با چاقوی جراحی یا حتی گاهی یک قیچی معمولی انتهای دهانه را شکافته و راه دخول باز شود. جالب این جا بود که در زمان طلاق نیز به بهانه این که نکند زن رابطه جنسی برقرار کند دهانه را دوباره می بستند.»

اغلب خبرهایی از ختنه دختران و اجرای این سنت ظالمانه، به ویژه در کردستان،





حاکم شرع است. آنها تعیین می کنند که او کی و با چه کسی رابطه ی جنسی داشته باشد. بعد از معامله های ارتجاعی نیز مالک جدید که واژن زن را در اختیار گرفته است، بر بدن او سلطه می راند. حتی پدر خوانده ها، طبق قانون ایران، خودشان می توانند مالک آتی بدن یک دختر باشند. آمار دخترانی که توسط پدر یا پدر خوانده ی خود مورد تجاوزهای مکرر قرار گرفته و باردار شده اند، عمق سنت های ارتجاعی علیه زنان را نشان می دهد. قتل های ناموسی که در اغلب مناطق مرزی ایران، آمار بالایی دارد و معمولاً پرونده های

به مکتب خانه صورت می گیرد. آنها درباره ارضاء جنسی و لذت بردن زن هنگام سکس هیچ آگاهی ندارند. این بار نیز خود زنان به دلیل نا آگاهی بر ستم به جنس خود دامن می زنند. عمده دلیلی که برای این حرکت زنان وجود دارد، ممانعت از لذت جنسی زن است، زنان نباید لذت جنسی را تجربه کنند تا بدون تمایل مردانی که مالک آنها هستند، وارد رابطه ی جنسی نشوند. مالک کودکی و نوجوانی زن، پدر یا برادر یا پدر بزرگ و امروزه در بعضی مواقع که هیچ کدام نبود،

شنیده می شود. بر اساس مشاهداتی که در روستاهای جزایر جنوبی ایران انجام شده است، ناقص سازی دختران، به سه روش صورت می گیرد: ۱- برداشت کامل کلیتوریس ۲- برداشت بخشی از کلیتوریس ۳- کشیدن تیغی عمودی به اندازه خون آمدن بر روی کلیتوریس. زنانی که از ختنه دفاع می کنند، در جواب به فواید آن، معتقدند که بریدن کلیتوریس یا همان پوست نازک به دلایلی از جمله کنترل شهوت، جلوگیری از فساد، خوشمزگی شدن دست پخت زن، درخشندگی زن، لذت بیشتر مردان، خواندن قرآن و رفتن

سلطه‌ی هرچه بیشتر قدرت‌های مختلف را فراهم می‌کند. با وجود اهمیت نشر آگاهی در میان زنان و جلوگیری از بازتولید ستم بر زن توسط جنس خودمان، برای رهایی از این ساختار ضد زن در جوامع تحت سلطه‌ای همچون ایران، باید دین را از دولت جدا کنیم و برای لغو مالکیت خصوصی و به طور اخص مالکیت مرد بر زن مبارزه کنیم.

با نگرش‌های ضد زن مذهبی و دینی است. در ایران و اکثر کشورهای همسایه اش، دین در ارتباطی تنگاتنگ با ساختار قدرت دارد. البته در ایران حتی حاکمیت دارای عنوانی دینی است. این قبیل سنن در اکثر این جوامع موجود است و حاکمیت به مقابله با آنها اقدام نمی‌کند زیرا وجود این ساختار ارتجاعی در اسارت نیمی از افراد جامعه مؤثر است و امکان

حقوقی، بدون مجازات متهمین، مسکوت می‌ماند، نوع دیگری از سنت‌های ارتجاعی هستند که معلول موارد قبلی است. نداشتن بکارت، گمان مالکین زن نسبت به روابط خارج از اجازه‌ی آنها و حتی جواب منفی به درخواست ازدواج فردی در عشیره یا خاندان، دلایلی است برای ارتکاب به قتل ناموسی. ریشه‌ی این سنن، آمیخته بودن افراد جامعه

ورزش بانوان ایران در شعاع محدودیت‌های حجاب

شادی.م

مسیر نادرستی هدایت شد. به عنوان مثال چندی پیش این مسئله موجب حذف هلن سپاسی، امید کسب مدال طلا برای ایران در مسابقات جهانی کاراته در توکیو شد. همچنین تیم کاتای بانوان در مسابقات همبستگی کشورهای اسلامی (!) که در اندونزی برگزار شد با وجود برد در حالی که باید بر سکوی اول می‌ایستاد به خاطر داشتن حجاب حذف شد. پس از این فجایع مسئولین هر کدام سعی کردند تقصیر را به گردن دیگری بیاندازند و حتی در نهایت تقصیر را متوجه داوری کردند که حکم به حذف این تیم داد! دبیرکل کمیته ملی المپیک خطاب به مردانی داور ایرانی که باعث حذف بانوان از مسابقات کاتای تیمی شد اظهار داشت: قبول دارم قوانین باید اجرا شود اما باید بعضی از مواقع منافع کشورمان را هم در نظر بگیریم!

در ایران زندگی کنی، زن باشی، ورزشکار هم باشی! همین کافی ست که محدودیت و ظلم و اجبار را از همه سو حس کنی. بسیار شنیده ایم که «حجاب محدودیت نیست، مصونیت است.» و هر روز به شکل تراژدی واری به آن خندیدیم. ولی این داستان برای یک زن ورزشکار به مراتب با تضاد بیشتری اتفاق می‌افتد. آنقدر که نمی‌توان به آن خندید! از تمرینات خارج سالن یک ورزشکار زن گرفته که باید با حجاب کامل صورت بگیرد و مانع انجام ورزش می‌شود، تا مسابقات داخل کشور که مردان را از حضور و تشویق بانوان به دلیل همین حجاب محروم می‌کنند و جالب این که در مواردی باز هم ورزشکار باید با حجاب مسابقه دهد. درحالی که ورزش زنان در ایران رو به رشد است، دستور

استفاده از حجاب برای ملی پوشان بانوی ایران با قوانین رسمی مسابقات بین‌المللی در برخی از رشته‌های ورزشی مطابق نیست. حال آنچه از تمامی مشکلاتی که حجاب اجباری برای ورزشکاران ایجاد کرده و می‌کند، اخیراً در جامعه‌ی مجازی به دلیل بازماندن از قهرمانی گروه‌هایی از بانوان در سطح بین‌المللی موج زودگذری از توجه به این موضوع ایجاد شد و سریعاً به





۸ مارس ۱۹۲۱



۸ مارس ۱۹۶۸



۸ مارس ۱۹۵۶



۸ مارس ۱۹۷۹



۸ مارس ۱۹۷۱



برزیل



۸ مارس ۱۹۸۱



تونس



مصر



مقدونیه

